

پدر این بچه سید در شیراز وفات نمود بانصد هزار تومان اموال و املاك و خانه و قنات و اسباب و نقد مالك بود ، غالب اهالی فارس مطلع هستند - این پسر در كازرون توقف داشت ، هفت سال یا هشت سال سنش بود که پدرش شیراز رفت ، بعد از سه سال که پدرش فوت شد در شیراز گران همه اهالی این بود که نیا اعمام و اعمام گرام اش که در شیراز هستند بدری و مروت می کنند ، نمی گذارند دیناری از مالیه این طفل تلف شود ، بلکه هنر از پدرش توجه خواهند نمود ، در کمال امیدواری سید ابوتراب یا مادرش شیراز رفتند جبهه احقاق حق موروثی بدری بمجرد ورود و اطهار جناب حاجی سید محمد علی بهبهانی که شوهر عمه باشد و همشیره اش زن دیگر حاج سید مهدی بود و حاجی سید محمود را در خاص سید مهدی كازرون که شرح حالش در غالب روزنامهها ثبت دیدم یکی از آنها وصی ، یکی قیم سومی قاضی و یک نفر مدعی آقا زادگان شهادت نوشته در ورق کاغذی که اظهار داشتند که در سردانه نوشته بودیم در سه قبل با حاجی سید مهدی در حضور ما سلب ولدیت از این طفل نمود و الآن این طفل حنی است تکلیف ما عمل وصیت و احراء احکام الله و رواج شرع نبوی است ،

چون حاجی سید مهدی يك پسر از همشیره من داشت و بعد از پدر بیست روز زنده بود آهه فوت شده و حال چند صغیر از آن پسر در خانه داعی است و قسمت پسر هر سید ابوتراب تخمیناً دو بیست هزار تومان میشود باید به تصرف احترام باشد در آن اوقات حضرت علاء الدوله حکمران فارس بود بسمع مبارک کنش رسانیدند خدایش یار اقبالش یابدار باد ، مجالس عدید ، کردند ، پس از تحقیقات مشخص شد که پسر هشت ساله که ایلا و نهاراً در بغل پدر بزرگ شده و بجهزار نفر از محترمین شیراز و كازرون شهادت دادند حتی چند فرزندی تلگرافچی که در كازرون مامور بودند و دوستی و مرادود داشتند شهادت بر حقایق سید ابوتراب دادند حضرت علاء الدوله متغیر شده حکم در استرداد اموال بچه سید فرمودند ماهی سی تومان جبهه مخارج معلم و لباس و نوکر و مربی و قیمی از طرف حضرت

حجة الاسلام آقا میرزا ابراهیم مجتهد قرار دادند که پس از رشد اموال خود را تصرف نماید یکدهمه صدای انقلاب و بلوا در شیراز بلند شد که زمان استبداد و ظلم گذشت علم عدل و مساوات و مشروطه بلند شد تمام اهالی عیش ما بزم ها جشنها فراهم کردند که پس از این بخلاف پیش ازین آسوده و مرفه الحال و در مهد امن و آسایش زیست خواهیم کرد ، از آنطرف فتنه ، ظلمها و مفسدین همچو وقت نازک عنیمت بدست آوردند مخصوصاً چند نفری که معروف بودند مثل قضای ناگهانی خود را در این اساس مقدس پایه مشروطه خواهی داخل انجمنها نمودند تا اینکه نزدیک شد شیرازه شیراز از هم کسبخته شود ، چ جاهای يك در خاک و خون آغشته گردید ، گاهی نام خون داری هلان روزگاری در همراهی مقصود ، انواع فتنه و انقلاب میباید بودند که به مقصود نایل گردید البته وقایع بگاران صادق باره از وقوعات را بعرض مبارک رسانیده اند ، يك مصیبه كازرون بدیخت که از شهر های آینه دنیا است پسر هزار در متهور و مجروح شدند ، حاج حاجی سید محمد علی و سایر و پسر هایش در شیراز حاجی سید محمود و پسر هایش صیاء الدین و بهاء الدین و حسام الدین ، و موافقت ، در كازرون خراب در نزاع و جدال بر سر مقصود با حیدر خان کارجی که معروف آفاق شد در قصبه (طرف بیزن) عطاء الدوله در مسئله نزاع و جدال و همراهی با کلانتر نوتراش ، نماید در كازرون خانه که صدای شیون و فریاد بلند نباشد ، بلکه خون مثل حوی روان ، مختصراً اگر نویسم شرح این بیحد شود هنگامه كازرون یکطرف ، تمام ایران یکطرف ، هیچده قنات در كازرون است ملکی و وقفی تماماً بعنوان مختلفه به قهر و جبر تصرف نموده اند ، شاه پور كازرون چند رودخانه است بلع نموده اند ، خیلی عجب است این مطالب غریب را بعرض رسانیده اند ، حالانکه كازرون جای غریبی است ، دروازه ایران است ، سردهنه ترك لرستان دشتستان کوه مزهجات ، بمجرد فی الجمله انقلابی به تمام اطراف منتشر و سارقین و اشراک بحرکت می آیند ، تماماً از سوء افعال این چند نفر است با اینکه از همه پست تر اند ، نهایت بواسطه تکیه گاه عقلا ، و سایرین تکلم نمی کنند که شاید خدای بخواند

مهم استبداد و بچاره شوند و حال آنکه مستبدین حقیقی خودشان هستند، هر کس مال هر کس برد یا فریاد کرده و تعظیم نموده میگوید عجب مستبد کافری است الآن قتلش واجب است. خوب است معنی مشروطه و مستعد طور دیگر رقم شود ~~حقیقی~~ حقیقی کارها را ذکر کن و اشتباه کرده اند. مگر مستبد کیست یا مشروطه چیست، در مسئله این بجه سید مصوب سید ابوتراب م در کدام مذهب و ملت روایت یک کرور طایفه از پدرش مافی نماید تماماً به برد و این سید بچاره را مهم نماید و از ارت محروم نماید

عجب شری محب اسلامی، خوب مشروطه، والله باقی. سنگ تمام مدافع هستیم. جز به اتفاق و عرص و مقصود ننگ نمی گزیم جز از روی بی علی و حیا و خود بسندی سعی میگوئیم تمام روی روم آزاد شد بواسطه رکت مشروطه ما سلمی و راستی و ن عرصی، جز ایران خصوصاً فارس که بخواب اندی رفته اند و تا دماغشان بچاک مالیده به شود و اگرگان همسایه آنها را بهودیت و رفیت بلکه به کاری کشی و حالی را ندارند بیدار بخواهد شد، هر ایات فارس می آید از دو ماه پیشتر امکان توفیق ندارد به و امات مختلف اسباب هوا و عوعا بلنداست، بسلامتی عودت طهران از راه عمر متعارف میکند جبهه چیست بجای کدام، که راه عبور مسدود میشود شاید غایب اهل فارس جبهه و محرب و مافق را بدانند و می شناسند بملاحضات عدده حرات تکلم ندارند از تمام این مطالب بلکه بیشترها همه مطلع و مستحضرنده نهایت از درد دل حسارتی نمودم. دام سحت است مگر بار کند لطاف خدا.

اه دوام و مدد حضرت حجة الله امام عصر عی الله فرجه و نیات صحیح اسلام و همت بلند مشروطه طلبان حقیقی و حث نشانان بی عرض و اوایان و ارکان دولت زودی زود اسباب آسایش و رفاه عموم اهالی ایران فراهم آید، و طوری فرمایند که این طیل معلوم را از این تهمت خارج نمایند میگوید نوشته میدهم که از تمام اموال و املاک و دارائی بدرم از دویت هرار تومان حق بگیرم حوری بشود بتوانم در انظار خلق ظاهر شوم الآن

قریب هفده سال دارد ما اینکه در خانه شخصی تاسیس مدرسه شرافت فراهم شده و اطفال طایفه و سلسله سادات را مشوق و مرتب هستیم همه طور اقدام شده از باب اب صدر جبهه خدمت حداً حاضر شده اند و همه طور مخصوصاً در حق این بجه سید بدری و مهربانی می شود باز شب و روز گریه میباید و میگوید روی در مدرسه رفتن ندارم خجالت از روی افعال و باطن و معلم دارم. سداً پس از دات خداوند منتقم ملت و ملت من بجزیده مقدسه شده حکم تمام علماء شیراز از آقای حجة الاسلام آقا میرزا ابراهیم و آقای حجة الاسلام لاری که صریحاً نوشته اند که مگر این بجه سید از ولایت واریت در درجه کار است موجود میباشد

بعد از حضرت علاءالدوله مرحوم تمام سلطنته آقای صاحب اختیار حضرت والا ظل السلطان مرحوم آصف الدوله آدی سهام الدوله حضرت طر السلطنته تماماً حکم به حقیقت داده و مستعد شدید احقاق حق نمایند. برای هیچ کدام وقت پیدا نشد، در فارس بیش از دو ماه سه ماه توقف نداشتند تمام جبهه تمویق از نمودن قوای دولت و ملت است و عاصبه مشغول بعیش هستند، بلکه به انحصار ملی شیراز هم تکیه کرده اند، یک کرور محلفات از نعدیه و املاک و استان و سایر متروکات صاحب شده اند ده طرف خانه دارند قهوه خانه و غیره، بکرده اند یک طرف را باین سید مصلوم بدهند که سکنا نماید دیگر تودان و فردا و آن داوری.

(ورشکست)

حاجی محمد حسن ابول که دو سال وادی مشغول تجارت و سمت وکالت تجارتخانه آلمانی را داشت یک هفته بقبل شب هنگام از بوشهر گریخت و بنام به رئیس علی دلواری برد. از قرار تحقیق منجاوز از شصت هزار تومان سوای سرمایه خود از داخله و خارجه تلف نموده معلوم نیست این مبلغ هنگفت را چه کرده و کجا منصرف شده است. مدتی در اینجا است چون بی علم از طریق تجارت خانه ایرانی بوده دفتر درستی هم ندارد طن متآحم بعلم این است که بر سر عمل قاچاق و اسلحه خانه خراب شده است و

خیلی از سر تکبیر قاجاری را خانه خراب کرده  
( فاعتبروا یا اولی الابصار )

( شیراز )

از قرار اخبار واصله شیراز باشاوه قوامیان ایل  
عرب یکی از دهات قشقایی را غارت نموده بودند ایل  
مذکور در این هنگام که از سرحد مراجعت مینمود  
از روی قصاص بسیاری از دهات اطراف شیراز را قتل  
وغارت نموده دهاتی که تا بحال معلوم است غارت شده  
از این قرار است ( مابین متعلق بشیخ الاسلام ) ( هاشم  
آباد و بی یکد - مال شباسکاه ) ( میان قلعه - بحر ایق  
حال حاجی حسین علی خان ) ( خالد آباد متعلق بشیخ  
الاسلام ) ( شمس آباد متعلق بقوام ) ( حسین آباد  
متعلق بحاجی حسین علی خان ) ( عماد آباد متعلق به  
نصرالدوله ) ( ده بید متعلق حاجی مسعود الدوله )  
( جون خان حاجی میرزا یحیی ) ( دورمان نصرالدوله )  
( عمر آباد وحشینان متعلق به میرزا محمد باقر خان )  
غالب دهات دیگر هم بغارت رفته است ، خورده  
خورده اوضاع شال در جنوب سرایت نموده از  
شامت مخالفت قوامیا و صولت لدوله است

( بندر عباس )

بند با ۲۵ نفر دیگر از زردشت های ایرانی  
و دو نفر زن که اصلاً ایرانی و متولد کراچی و  
عربی بوده و دو نفر بچه کوچک همراه قافله مکری  
که محبین ۴۰۰ الی ۷۰ و ۸۰ تنگ و استعداد  
داشتند در شش فرسخی خاک عباسی دو چار  
سارقین شدیم ، سرکرده آن ها علی قلی خان پسر  
حسین خان بهارلو و ابوالقاسم خان و نصرالله خان و  
آقا اسمعیل ، این ۴ نفر سرکرده جماعتی که بمقتیر و  
سارین دو چار شدیم بودند ، مختصر از سر تا پا  
برهنه نمودند فقط یک پیراهن و زیر جامه برای مان  
گذاشته ، این سارقین ۴ شب مانده تخمیناً ۴ هزار  
نفر سوار و پیاده بودند ،

با علی قلی خان ملاقات کردم و اسم اداره جهانیان  
حادم که اموال را پس بدهد جواب داد که ما حکم از  
طهران و شیراز داریم که خاک بندر عباسی و حوالی را  
به تو بره نمانیم و بکلکی خراب کنیم ، تا ۸ روز هم حوالی  
بندر عباس بودند که البته بعضی جنابالی رسانیده اند  
که چه ها کردند ، بنده با حضرات ایرانی تا ۸ روز  
در کوه ها پنهان و ممکن نشد بیایم عباسی ، بند

از ۸ روز بیک حال فلاکت وارد بندر عباس شدیم  
وضع سلوک حضرات حکایت دزدی و سرقت نبود حکایت  
ارازلی و الواطی و خرابی و دستور العمل بود چنانچه  
هر جا که می رسیدند هر چه گیر شان می آمد می بردند  
و خانه ها را آتش می زدند و گوستندی الاغی شتری  
دو چار شان می شد هر چه می توانستند می راندند و  
می بردند هر چه شل و لاغر بود با کاهوله و کارد  
می کشتند ، چند نفر زن را در دهات عباسی بعد  
از بناموسی کشتند

( ورود )

روز ۲۹ شهر رمضان قونسول روس مجبور (ناسک)  
با بود نفر قزاق ایرانی با شکوه و حلال تمام وارد  
بوشهر شدند ، دو شب قونسول مرپور قزاقها را  
مهربانی نمود بال و کوبال قزاقها چندان دهراتش  
بست شاید در نسام مامر باشند ، ولی قابلاً و لساناً  
دشمن مادر و ض خود هستند و صریحاً بد بدوات  
وملت و ولی نعمت خود میگویند ، معلوم است این  
حال از رؤساء و صاحب منصبان خود بایشان  
سرایت نموده و ره قزاق چه میدادند و مسلماً انعام  
موفقی قونسول روس را بر نمایی سایبان ترجیح  
نمیدهد مگر با اشارات صاحب منصبان خود

\*\*\*

چند روز است قدری هوا ملایم شده دهستان  
هم که مزید بر ضعف بود گذشت امید است نفسی  
تازه شود که مرفه الحال بخدمات مرجوعه اشتغال  
کنند سابق سالی یک دو فقره بست سرقت  
میرفت و تا دیشب ماه گنگوی این سرقت با دول  
احتمالی ختم میشد دو سال طول میکشید حال  
ملاحظه فرمائید عقب هم بست ها سرقت میروند  
همبقدر میگویم هیچ بستنی در دهاب وایب سلامت  
بمقصد نمیرسد ما کنون اطراف شیراز باصفهان بود  
و حالا از بوشهر الی اصفهان خراب است

تا کنون راه بوشهر و شیراز امن بود حال  
بواسطه مراجعت ایل که طبعی و همیشه مغشوش  
است ، و خیلی راه من کازرون الی شیراز خراب  
است حتی در چهار فرسخی شیراز بستنی که می آمد  
میآمده با تمام سرقت و قاصد عربیست بشیراز  
برگشته و دو بست که میرفته در همان موضع پاره  
پاره شد ) راه فیروز آباد هم که صولت الدوله تأمین

داده بود حالا دو قافله الانی که نخت بار داشته یکسر برده اند ( اطراف شیراز تمام آبادی خراب مزارع غارت رعیت در بدر و آثار غنی هویدا است و تاوقت همین و تیره باشد روز بروز بدر خواهد بود درخود شیراز روز کسی جرئت ازین کوچه رفتن ندارد و شها جبدین خانه سرفت میشود )  
( ننگه )

قارخانه بدر لکه موقوف شد جگر شخص کیاب میشود که رئیس کرك با وجودیکه تنگبگی خودش در بندر (سری) میباشد حالا برود و برگردد و نگوید جزیره را پیدا نکردم یقین بداند بیرق عمداً افتاده و عنقریبش خواهند بلعید ) حیرت اندر حیرت اینکه با سیدوی انگلیس خطاب کردن یعنی چه؟ بندر لکه چه مناسبتی و تئری به حاک انگلیس دارد که کرك ( با سیدوی انگلیس ) خطاب میکند و جس بر آتشی حمل میباشد هرچه است زیر سر رئیس کرك است که بیرق بندر (سری) می افند و آنجا را گم میکنند و کرك اجناس باسیدو را نمیگیرد خواهند فرمود نصیر مرکز کل است که یک حاکم خیرخواه وطن دوستی و یک معدن شناس نمی فرستد ای وای خدایا بسصد فرسخ خاک بنادر خلیج کم کم حال بحرین پیدا کرده بخدا قسم که هیچ امری در بنادر و امضای همسایه انجام نمیشود حاکم و محکوم مطیع و سقا درینصورت والله انگلیسها تاکنون خیلی خوب باها سلوک کرده و در نهایت مقامات رفتار نموده اند الا چه مانعی دارند که حکومت نمایند

### مکتوب از محرم

امروز بهترین بنسادر جنوب از حیث وجود بیت و سکون و آرامی بندر محرم میتوان تصور تصدیق نمود، زیرا در هر گوشه از بنادر جنوب سه بنادر خلیج فارس لکه در خطه حکمرانی بیکی است باوجود اینکه همه اهالی ازیک عنصرند و ملاحظه شود می نام هرروزه بدسایب مخصوص ی خرج تراشی و چپاول مال دولت پیشهاد خود دارد این ناامنی و وجود مرج و مرج و خرابی مملکت و ای امنای دهات مشاهد و محسوس است ولی در باوجود اینکه اهالی و باشندگان آن از عناصر فیه و هرگروهی باثنی متدینند امنیت و مقتضیات یش اهالی در فزایش اداره بلدیة و نظمیة محرم ک اهتمام و وطنخواهانه در انجام خدمات نوعی و

رفاه اهالی و انتظام کلیة امور مرجوعه بخود کوشش و اهتمام دارد و در تقدیم وظیفه خود مساعی جیده پیکار میبزند اگر نواقصی بنظر در این ادارات برسد بواسطه بدایت و تازهگی آنست و ما از مراتب وطن دوستی و نوع برستی لکه در شخص رئیس بلدیة محرم سراغ داریم اطمینان داریم که عمأ قریب کلیة نواقص اداره بلدیة اینجا نیز رفع گردیده و اداء وظیفه نیکنامی و پاس حقوق ملیة خود را با حسن وجهی بر همکنان مشهود دارد، اداره بلدیة دراضانه و تنویر معابر و کوچها فروگذار نکرده از قرار معلوم در توزین اوزان و سایر وظایف هم داخل خواهد شد

از همه مسرت انگیزتر که خیلی باعث حسن استقبال کلیة اهالی اینجا باید دانست وجود تربیت نمود مدرسه خزرعلیه است که از همراهی های سردار ارفع حاجی رئیس و مساعدات آقای اعتلادالدوله کارگذار و همت عالیة نوع نجار و اعیان این بلد یوماً فیوم بر استحکام مالی و ترویج آن می افزاید هر چند بدو امر بواسطه عدم سازش یکطرفه از مستخدمین داخلی این اداره با سایر معلمین فی الجمله سکدورتی واقع گردیده و خیال بعضی از اعزّه از همراهی باین دارالتربیه مشوش و رنجه خاطر گردیده بود لیکن این ایام که تفسیری در وضع سابق داده شده و معلم مخصوصی از مدرسه سعادت بوشهر برای تعلیم و تعلم و ترتیبات امور داخلی مدرسه جلب شده امید داریم لکه متدرجا رفع مناقصات و دفع مشاجره گردد، بلکه از فیض همراهی و مساعدات معارفخواهان و حامیان تربیت این دارالتربیه اینجا مرکز معارف عربستان گردیده این شرف و افتخار نیز ضمیمه سایر مفاخر بزرگت این شهر شده باشد بیشتر امیدواریم که در برقراری این ساه آدم سازی هست همان تئین ننگه یکتقری و نیم قری است که از مساعی سردار ارفع و جناب حاجی رئیس و آقای کارگذار برقرار گردیده مدرسه خزرعلیه نقدا دارای سه کلاس و محتوی بر جهل تلمیذ است زیاده از یانزده نفر شاگرد مجانی دارد لکه علاوه بر تدریس کتب لازمه از مدرسه مجاناً بآنها داده میشود غسیر از فارسی و عربی و جغرافی و حساب و مسائل دینی یکی از زیان

خارجہ نیز در این مدرسہ تدریس میشود ، سابق فرانسوی و انگلیسی هر دو تدریس میشد لیکن ملاحظہ اہمیت و کثرت لزوم انگلیسی در بنادر جنوب تدریس زمان خارجہ منحصر بہان انگلیسی شدہ اگر سایر آقایان مانند آقای کار گزار در انتظام امورات این مدرسہ اہتمام میفرمودند حایہ پیش از این رونق و اعتلاء یافتہ بود ۔ ولی ما کجائیم و بصیحت گر بیکار کجا

( حقایق نگار )

### اخبارات خارجہ

۱) الماتالیت (منول) پادشاہ سابق برتکیزبہ ارتخانہ انگلیسی سپردہ شد

۲) اولین دریدنات ژاپون (کاراشی) در (یوکوسوکا) بآب انداختہ آمد

۳) اعلیحضرت پادشاہ انگلستان و ملکہ محترمة شان با پادشاہ (منول) روز شنبہ در [وودنارتن] ملاقات خواہند کرد ۔

۴) ما اینکہ جرائد عثمانی برخلاف وزارت (ویبی زیلوس) نوشته اند باز ہم مشارایہ بہ ترتیب دادن کابینہ وزرای یونان مشغول است ۔

۵) (ستر دیکنسن) عضو وزارت امریکا وقت در (برلن) بود تحریک نموده بود کہ وایسہد ضمن سیاحت خود در منترق در حراب (فیلی پین) بجز بروند ۔ امپراطور آلمان از این تحریک مسرور است و در تمیلش تامل و عور میدرماید ۶) بن وزراء عثمانی اتفاتی شدہ ، مطنون است کہ باعالی شقرری (ویبی زیلوس) برانست وزراء یونان عذر نیسارود و منظر نیبجہ آن در آتیہ گردد

۷) (برنس هنری) کہ اینوقت در (مدربد) در سنارتخانہ بود بہمت قواسل جنرالی دولت روس در کلکنہ مقرر شد

۸) اعلات نیم رسمی در باریس اشاعت یافته کہ در خصوص استقراض دولت عثمانی از فرانسہ بر اصل شرابط اتفاق رائیے حاصل است دولت فرانہ بدو شرطی را کہ پیش کردہ بود دست بردار شد

۹) از (لسبن) خبر رسیدہ کہ وزیر فوائد عامہ

و وزیر جنگ استعفا دادند

۱۰) خدیومصر امروز از اسلامبول بہ مصر معاودت و در (اسکندریہ) بہ جواب تبریک نامہ اظهار داشت کہ از ترقی زراعت بہ بہ بسیار خوشنود و از الطاف و مراحم بابعالی منہای شکر را دارم و اینکہ انواہ است سلطان از سلطنت دست بردار خواہد شد غلط محض است

۱۱) جمیع کشیشان دولت (برتگیز) را بہ جمہوریت بذرفتند ، سہاہیان را فرصت چہار ماہہ باہواجب دادہ شدہ

۱۲) کشیش بزرگ رؤم مقیم (برتگیز) را (بوی) صل نمود زیرا کہ وی سلطنت را بہ جمہوری شناختہ بود

۱۳) رئیس الوزرا (میووی زیلوس) دیروز در مجلس شورای ملی ضمن اطاق خود اظهار داشت کہ حکومت از نظام قشون را میدہد و قانون را باکمال سعی باندار میداردہ ، یونان برای اصلاحات خود باید تا زمان دراز بدون جنگ و جدال بسر برد

۱۴) (لاردهاردینگ) فرمانرمای جدید ہندوستان سوم نومبر رہیزار شدند

۱۵) انتخابات کلیای برلمان (برتگیز) در ماہ جنوری سہ ۱۹۱۱ خواہد شد

۱۶) پادشاہ سیام بمرض چندروزہ فوت و وایسہدش بہ سلطنت مستقر گردید

۱۷) مجلس ملی چین امروز اولین بار با کمال شکوہ افتتاح پذیرفت ، بسیاری از شاعران و افسران بزرگ حاضر بودند ، افتتاح برلمان در شورای مابہ اسدسہ با اکثریت آراء امضاء یافت

۱۸) رئیس وزراء ژاپون در محاسن ضیافت تجار اطہار داشت کہ در بودجہ آتیہ (۷۰) ملیون (ین) برای اضاہ قوای بحری در ضمن شش سال افزودہ خواہد شد ۱۹) محاربات استقراض دولت عثمانی رہرسہ یکدفعہ قطع گردید جہ فرانسہ میخواست دروول بر مالیہ عثمانی از فرانسویون بردارد ، با حرارت آلمان مجددا کفتنگوی استقراس عثمانی شروع کردید

۲۰) اشاہ یافتہ کہ امپراطور روس با امپراسور آلمان در (پوتسدم) ۱ نومبر بہ بی عودت از (دارمستدت) ملاقات و یک روز در آنجا نیز توقف خواہند داشت

در ( لندن ) برای تعمیر مسجدی وجه اعانه جمع آوری می شود

§ حالت بلتیکی یونان دارد روز بروز نازک می شود مخالفین میگویند که (وینی زبلوس) حقوق مجلس ملی را پایمال کرده و اراده دارد که در انتخاب آینده هیچکس از هوا خواهان او امیدوار منتخب شدن نشود، در عتاک عثمانی برخلاف بنات بایکات کم می شود خاصه در اسلامبول

تلفکرافات

( ۲۴ شوال - ۲۸ اکتوبر )

§ قطعه انسانی موسوم به ( هوپ ) در بازار جواهر فروشان گذارده شده قیمت آن میگویند ( ۳۰۰۰۰ ) لیرا است

§ در (ادریانوپل) در ضیافت رسمی بعد از ملاحظه اعلیحضرت سلطان سان قشون را (محمود شفقت پاشا) ضمن لطق خود اظهار داشت که ترقیات قشون تا درجه خاطر خواه است و امیدوار است که در ازدیاد قشون روی سریعاً اقدام شود که در سه و اعظم عثمانی بتواند کاملاً امنیت را برقرار دارد، اعلیحضرت سلطان در جواب فرمودند که از مطایه ترقی قشون خیلی مسرور و امیدوارم قشون مکمل را نیز خیلی زود ملاحظه نمایم

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان دیروز مغرب از ( بروکسل ) رهسپار و در محافظه ایشان مساعی زیاد شده بود علت این بود که خطوطی تهدید آمیز روی میز امپراطور آلمان یافته اند ( ۲۵ شوال - ۲۹ اکتوبر )

§ دولت انگلیس با دولت چین در باره ترمک تهدید نامه جدیدی می بندد تا در آتیه بین دولتین هیچ وجه از این راه کدورتی حاصل نگردد

§ مخبر ( روتر ) از ( بیکن ) خبر میدهد که حکمی صادر شدنی است که ده ملیون لیرا از قرار پنج فیصدی سود سالانه بمدت (۵۰) سال استقراض شود، دو ملیون را ح نرقی حرفت در (منچوریا) و بقیه در اصلاحات لازم بصرف آید § تقریباً جمیع سنگهای بزرگ آلمان شرکت در قرضه دولت عثمانی نموده اند چ آلمانیان انجام این امر و کامیابی در این موضوع را حسب الوطن دانسته

(برلن) و با صرافان در مشاوره است، ضمن سه یا چهار روز به اسلامبول عودت خواهد نمود ( ۲۶ شوال - ۳۰ اکتوبر )

§ مخبر ( روتر ) از ( برلن ) خبر میدهد که دولت عثمانی مبلغ هجده ملیون مارك قیمت دو جہاز زره پوش آلمانی را ادا نمود

§ وقایع ننگار ( دلی کرائیکل ) از (جوہانبرگ) می نویسد که ( مستر اسموت ) در پارلمان متحده افریقای جنوبی مسوده قانون را پیش خواهد کرد که بموجب آن در افریقای جنوبی انتظامی رایج ورود اهالی آسیا خواهد شد و نیز در آن عده از ہندیان تعلیم یافته شامل خواهند گردید، و مزدوران آسیائی در ( نئال ) فقط در اضلاع و سواحل وارد خواهند گردید ( ۲۷ شوال - ۳۱ اکتوبر )

§ مخبر ( روتر ) از ( بیکن ) خبر میدهد که در مجلس ملی چین امروز ( براس بوتنگ ) اظهار داشت که جمیع ملت متفق اند که انعقاد مجلس ملی خیلی لازم است این بیان موثر مسرت زیاد اهالی شده چه از بیانات (براس بوتنگ) حسن نیت حکومت مترشح است -

( ۲۸ شوال - اول نومبر )

§ وزیر خارجه روس بمیت دو افسر بزرگ بسمت (درمستد) رهسپار واز آنجا در (پوتسدم) میروند اعلیحضرتین امپراطورین آلمان وروس ملاقات خواهند نمود

§ مخبر ( روتر ) از ( کیپ تاون ) خبر میدهد که مجلس متحده افریقای جنوبی منعقد گردید § مخبر ( روتر ) از ( پاریس ) خبر میدهد که کابینه فرانسه استعفا نمود

§ مخبر ( روتر ) از ( پاریس ) خبر میدهد که در (مدرید) افواہ است که بلوای جمهوری طلبان بالا گرفته ولی تا کنون بدرجه ايقان نرسیده است § از (اسپانیا) مخبرات تلفکرافی جاری است ولی اشاره از بلوا دیده نشده

( ۲۹ شوال - ۲ نومبر )

§ مخبر روتر از برلن خبر میدهد که ولیعهد آلمان با شاهزاده خانم برای سیاحت مشرق اقصی رهسپار

§ (مستزبانند) به ترتیب کابینه جدید فرانسه رضا داده محتمل است که وزیر خارجه، وزیر جنگ وزیر بحری استعنائی خود را باز گرفته بجای خویش برقرار ماند

§ سنیر اسپانیا اشاعه بلوای (مدريد) را رسماً تکذیب می نماید

( ۲۰ شوال - ۳ نومبر )

§ از ( بوستن ) (وفیلدالفیه) ۱۶ فرود جهازات جنگی امریکا برای سیاحت روانه انگلستان و عراق گردید

( اول ذبیده - ۴ نومبر )

§ امپراطور روس وارد ( پوتسدم ) شدند - امپراطور آلمان بمیت شاهزادگان و صدر اعظم ایشان را ملاقات نمودند

§ مخبر روتر از ( سلاویک ) خبر شدت مرض عبداحمد سلطان مخلوع عنان را اشاعت میدهد  
§ شاهزاده وایسهد آلمان ما زوجه محترمه شات امروز از ( حنوا ) در جهاز ( برس وبه ) روانه شدید

تلکرافات روتر راجع به ایران

( ۲۶ شوال - ۳۰ اکتوبر )

§ مخبر ( روتر ) از یوشهر خبر میدهد تالاحده بیسکه (۲۰۰۰) ایلات تهدید محامه (کک) می نمایند و حکومت ایران در لنکه مقتدر محض رمایی خارجه بود از جهاز جنگی انگلیس (فکس) یک صد نفر قشون بحری در ساحل لنکه فرود آمد

( ۲۷ شوال - ۳۱ اکتوبر )

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که دولت ایران یادداشتی بسنیر انگلیس فرستاده اظهار داشته است سپاهیانیکه در لنکه فرود آورده اند از لنکه خارج نمایند - سنیر انگلیس در جواب اظهار داشته مجردیکه امنیت قایم شود قشون از لنکه خارج خواهد شد - در شیراز اعتشاش بالا گرفته و محله یهود بغارت رفته است -

§ مسلم لیگ لندن باتفاق آراء رایج داده اند که مسلمانان رعایای انگلیس از یادداشتی که بدولت ایران داده شده منتهای تأسف و رنج را حاصل نموده اند، فقط اطمینان شان اینست که دولت انگلیس ایقان نموده که هیچ گونه مداخلتی در استقلال ایران

نخواهد نمود - بواسطه شدت تعلقات ایران و هند و بمناسبت اینکه ترقیات ایران منید بحال هندوستان است دولت انگلیس راست که با منتهای همدردی ما دولت جدید ایران سلوک نموده او را در حفظ استقلال خود تأیید نماید تا ارتباطات جدید هر دو بر گردد -

§ مخبر ( روتر ) از طهران خبر میدهد که دولت انگلیس دولت ایران را منته ساخته که هرگاه در اعتشاش شیراز صدمه به رعایای انگلیس رسد دوای دمه دار شناخته خواهد شد -

§ قشونیکه از جهاز (فکس) ساحل لنکه ورود نموده تخمیناً یکصد و شصت نفر با چهار توپ است این اشون حسب الامر بایستایان ایران و وایس قوسل انگلیس محض حص رعایا وارد شده اند

§ مخبر ( روتر ) چنان اطلاع یافته است که گنگوی استقراض یک ملیون و دوست هزار نفر در دولت ایران مانگ شاهنشاهی نموده تاکنون جاری بواسطه تبدیلات در کابینه وروا حاصل نموده است -

( ۲۸ شوال - اول نومبر )

§ مخبر روتر خبر میدهد که دولت جدید بر حسب تانسی شدید - رای روس و انگلیس سه ماهه وظیفه شا. مخلوع را پرداخت

§ بموجب تلکراف اسلامبول جمعیتیکه به امپراطور آلمان در ماده ایران ۲۴ اکتوبر ایلی نموده بودند از رسیدن جواب کمال ملالت را حاصل نموده - و همچو تصور می شود که اگر جواب ماب نیاید همان تلکراف را مجدداً با امپراطور فرستند

§ بموجب تلکراف لندن جناب ناصرالملک بایب السلطنه ایران از لندن عرف طهران حرکت فرمودند - ناصرالملک بدو اصمیان حاضر نمودند که انتخاب ایشان به بیات سلطنت از طرف پارتی مخصوصی سوده ( یعنی هیئت حومه ملات به بیات سلطنت ایشان اتفاق داشته اند ) یوم ورود ایشان به طهران معلوم نیست - چه بین راه بمقامات دیگر هم خوانند رفت ، آمدن ناصرالملک به لندن فقط محض علاج پسرشان بوده است  
§ از جمله که بمحله یهودیان شیراز شده بود ۱۱ مرد متول و ۱۵ مجروح و ( ۵۰۰۰ ) بی خانمان شده اند

وزارت خارجه ايران بفراترين روس وانگليس شديداً پروتست نموده و الزام داده است كه تعويق در اداى وظيفه شاه مخلوع بواسطه طامع ترانى هاى دولتين بوده است و نیز اظهار داشته ~~كه~~ سفرها حق ندارند كه براى وصول اينگونه وجوه مأمور فرستند كه اين امر هم توهين دولت است و هم مخالف با قانون بين المللى

امروز مجلس بزرگى از مسلمانان در لندن تشكيل و در متمهاى سخن پروتست نموده اند بر نيات دولت انگليس در ايران و اظهار داشته اند كه بايد دولت انگليس متمهاى قوت خود را در اخراج قشون روس بكار برد ، صافين با دجه هاى سخت به بدنيق دولتين روس و انگليس در ايران بيانات نمودند ، در اظهارات عديده صافين دوايد مسلمانان به امپراطور آلمان مجلسيان اظهار مسرت به آواز هاى بلندي نمودند ، مستر رامزي مكدانلد اميد ظاهر نمود كه دولت انگليس نام بيك خود را در اقدامات روس در وسط آسيا به مدامى نبايد آورده بايد ، ميجر سيد حسن بلگرامى صدر مجلس بمشکل تمام مجلسيان را از تلگراف به اعليحضرتين سلطان عثمانى و امير افغانستان باز داشت

( ۳۰ شوال - ۳ نومبر )

بر حسب تلگرافى كه از بمبئي رسیده در نزديكى بندر لنكه زدو خوردى واقع شده كه اندان مارش آر ان افسر جهاز جنگى دولت انگليس (پروزر ياش) مجروح شده و فوراً ديگرى بعهده و چه برقرار آمد ، عده از ساهيان بحرى انگليس نیز مجروح شده اند تا كتون تفصيل اين واقعه نرسیده

( اول ذيقعدة - ۴ نومبر )

§ منباب اشاعة كه در خصوص زدو خورد قرب لنكه و مجروحى يك افسر بحرى انگليس و يك سپاهى شده بود معلوم گرديده است كه اين واقعه در (چهار) كه بندر مكران است مابين افغانانى كه اسلحه قاچاق مى نمودند بوده و مربوط به بندرانگه نيست . ۲ نومبر از جهاز (پراسپارتن) جمى در نزديك جاى چهار پياده جوش بدن سلاح بودند امكان بر آنها حمله نموده كاندو مارشل و پنتان وايت افسر قشون هند با يك سپاهى مجروح شده ولى جراحت شان سخت نيست با اينكه اين زدو

خورد اهميتى نداشته مذكالك اضافه قشون در آنجا فرستادند .

### «جبل المدين»

كسايكه به نيرنگهاى بلتيكى آشنائيد بخونى مبدانند كه بعد از جواب ياد داشت ايران و پيش آمدن اين حوادث در شيراز و لنكه و چابهار مبنى بر چه اساس است و كدام محرك حقيقي در انبساط مدعاى خود اين واقعاتيكه در چهار ساله انقلابات ايران پيش يامده بود غنصه شهود رسانيد . لطيف اين است كه از يكطرف پاى بندي به مهلت سه ماهه شده قشون در ساحل ايران وارد ميگردد و از طرف ديگر سهو عمدى در اشاعه تلگرافات ميشود يعنى واقعه كه صدق يا كذب بين افغانان و قشون انگيسى در چابهار پيش آمده و چند صد ميل دور از لنكه ميباشد به نزديكى لنكه تعبير ميگردد تا ورد قشون بحرى بلنگه قبل از ختم ميعاد مهلت از روى ضرورت و استحقاق جلوه نمايد ، ظامر است هر كس از جغرافياى خليج اطلاعات كافى ندارد و دل سوخته هم در كار نيست كه نقشه برداشته چابهار و بندر لنكه را ملاحظه نمايند ، كه چند صد ميل فاصله دارد اين است كه از عنوان تلگراف رپوتر كه جنگ نزديك لنكه اشاعت يافته چابهار را دو سه ميلي لنكه تصور ميكنند و اين نكته مصدق ضرورت ورود قشون در لنكه ميگردد ما علت واقعات لنكه را در صفحه (۳) اين نمره نگاهشته ايم لذا در اینجا صرف نظر از تشریحات لازمه مینمایم .

هر حال واقعه چابهار در صورت صدق مبنى بر جلو گيرى از ورود اسلحه قاچاق بود كه از شأمت حكومت دريايگى از يك سال باين طرف قشون انگليس علاوه بر دريا در سواحل ايران هم ورود نموده جلوگيرى مینمایند ، چند ماه قبل مثل اين واقعه در جاشك پيش وقشون بحرى انگليس بساحل آمده تا چند ميل تحقيقات لازمه باسم جلوگيرى اسلحه قاچاق نموده ، اينك به همان اسم در ساحل چابهار فرود آمده ميگويند كه با افتخار كه براى تجارت اسلحه آمده بودند زدو خورد هم شده ظاهر است در اين صورت لزوم ساخلو يك عده از قشون را در چابهار لازم خواهند گفت ، حكومت هم



که شب و روز مشغول هرزگی و فتنه انگیزی و خرج تراشی و رشوه خواری مانند مپت بین بی‌الضال میش اقدامات خارجه تسليم ميشد ، نتيجه اينگونه سهل انگاري ها اين است که بعد از چندي تمام بنادر و جزائر خليج فارس و بلوچستان محل ساختن قشون بيگانه گرديده تا رفته رفته صورت بحرين پيدا نمايد ، تمام اين شأمت ها از حکومت دريايکي است

کابینه وزرا اگر از منافع اقتصادي و سياسي خليج واقف اند بايد بدون فوت وقت در بنادر خليج و بلوچستان تشکيل قوت بدهند که جلوگیری از ورود اسلحه قاچاق بشود و ايراد همايه مرتفع گردد ، درست بايد دقت نمود که اگر چندي بدین منوال بگذرد و سواحل محل ساختن قشون بيگانه ماند اخراج آنها دشوار بلکه محال خواهد بود و عاقبت بلاد مرکزی ايران هم در صورتی که استقلال خود را حفظ کند مانند افغانستان از منافع دريا محروم خواهد بود ، فراموش نه بايد کرد زيانتيکه ما بواسطه تسامح کارمندان سابق در ساحل درياي خزر از طرف شمال حاصل نموده ايم هرگاه اين وضع در جنوب هم بشود بالسيما استقلال مان مسمحل خواهد شد

اما واقعات شيراز ، در صورتيهم که با آنها هم تدومد اشاعت روتورا تصديق نماند داراي هيچگونه اهميت بلنديکي نماند ، چه اينگونه واقعاتيکه در مجبوحه انقلابات ايران پيش مي آيد از امور عاديه حتى در ملل متعده است ، مکرر خيلي شديد تر از اين واقعات در روسيه خاصه بر سر ارامنه و يهود آورده شده ، واقعات ( ادنا ) و الباني و روس و نیز مخالفت های مذهبي که بين مسلمان و هندو در هندوستان مکرر واقع مي شود کمتر از واقعات شيراز نيست ، نه رومي بلتيک دارد و نه ملوک طوايفي بشمار ميرود چيريکه تصديق مي کنند قول مارا همانا سالم ماندن رعايای خارجه در بين بلوای مذکور مالا و جانا از دست برد بلوایان است و اين بش آمدها يا بسته شدن راه قافله که همه موقفي است بهيچوجه ثابت نتواند نمود که دولت از انتظام آن عاجز و يا همسايگان باهم حفظ تجارت براي خود حتى ثابت نمايند که انتظام پليس و ژاندرامی را بعهده

خود گيرد ، چيزيکه خيلي دقت نظر را در کار دارد اين است که از يكطرف وايس قونسل بوشهر راپورت بدهد که مبني هفتگفت از تجارت اسکيس کاسته شده از طرف ديگر استاتسبک پنج ماهه گمرکات ثابت ميکنند که شازده هزار ليرا و دخل گمرکات جنوب افزوده شده و اين خود حسي است که تجارت خارجه زياد گرديده است

يس در صورتيکه راپورت وايس قونسل اسکيس تصديق شود و ضرر تجارت انگلستان و هند را مسلم داريم يکي از دو نکته بلائامل تصديق خواهد شد اول اينکه بگوئيم بواسطه همراهی های اسکيس روس و فشار دوامتن بايراث ايرانيان ضعا از اسکيسان نفرت نموده امته آنها را نماند ، در اين صورت صاهر است که با سر بزه اسکيسان نميتوانند مالالتجاره خود را محلق ايرانيان بجايند ، پس مسرست که اگر دولت اسکيس رحمت ياد داشت خود اقدامي بايد مريد و مرت ايرانيان شده يك دهه ترك ستمال امته اسکيس را گشته کبه تجارت هند ، انگلستان در ابراه معدوم خواهد گرديد ، و هرگاه نماند بود که با سر بزه در مملکت بيگانه تجارت نمود بطريق اولي حکومت مقدر دهند ميتوانست ماينکات ايکه از چند سال باينطرف برخي هندیان نموده اند مرتفع دارد و حال آنکه تاکنون حري است و هر ساله مبالغهزيان کارخانجات انگلستان وارد مي آيد

دوم ايکه گفته شود تجار هند و اسکيس در مقابل تجار ساير ملل از رواج امته خود قاصر مانده اند ، اين گفته هم قصوري بر ايرانيان وارد نتواند آورد که باين بهانه مستعد دحائهای غير مشروع گردند ، آيا محز تجار هند و انگلستان در مقابله تجار ساير ملل گناه ايرانيان است ، آيا باينگونه اقدامات مي توان تجارت ساير ملل را بروی ايرانيان مسدود داشت ، بيقيد ما اين خيال است و محال و بجای نفع از هر بهلو زبان رسان تصور مي شود هر حال حادثات شيراز محلي و ابدأ مربوط به بلتيک نيست و ما بحسب اطلاعاتيکه داريم فرمايشات (لاردهارديک) را که فرموده « رؤسای جنوبي ايران سلوک ملوک الطوايفي را اختيار کرده اند ، تصديق نتوانيم نمود ، در رؤسای جنوب که يگان يگان معروف

مابند احدی را سراع نداریم که مخالف دولت و یا برخلاف سلطنت قانون باشند البته تعصبات ایلاتی و تازعات شخصی که عادت دیرینه آنها بوده سبب روحی واقعات غیر مهم محلی گردیده است

عجب تر این است که از یکطرف دولت جدید را از جلب قرضه اعم برهن حوایرات یا کنکانات گمرکات و اردیباد روحی عوارض مانع میکردند و از طرف دیگر همه گونه اسباب خرج توانی رایجی دولت فراهم کرده ارامات بی پایه و پایه میدهند تا دولت جدید را مجبور ساخته مقاصد خود را باو بسپولاسد

در واقعات شیراز چیزیکه مرید بر حیرت ما گردیده این است که قوام الملک نائب الایاله است و نصرالدوله رئیس قشون و دارای کلیه قوا ارسرماز و سوار و توپخانه و قورخانه میباشد و این سلسله از دیرباز حامی ملت یهود در شیراز بوده اند چنانچه از کثرت حمایت آنها خیلی بر حسارتشان افزوده بود و محله یهود در قرب ارگ دوات است که امروزه مرکز قوای ایالت ساخته میشود و از تلگرافاتهم معلوم است که قوه از حرج بشهر آمده چنین اقدامی نموده باشد -

ازین رو باید گشت که این نزاع محلاتی بوده تعجب این است که حکومت با آن اقتداریکه در شهر دارد چگونه این فائده مدعش را جلوگیری نموده ما با کمال تصریح از کلیه رؤسای جنوب استدعا میداریم که پیش ازین تبشه بر ریشه خود نزنند و تا این درجه با اسارت ما در وطن رضا ندهند و مسئله پادشاهت دوات انگلیس را مانند تهدیدات عادی دوات خود نه بدارند

واقیان رموز میدادند که اگر دوات انگلیس باخام مساعد خود نائل آمد تقسیم ایران حتی و تجزیه ملی ایرانیان مسلم و ذات و خواری شما بزرگان قطعی و بر بادی اسلام و ناموس پیش هرا ر سله ایرات یقینی و نا دو بیست سال ایرانیان از

جنگال این دو همسایه قوی خویشتر را نجات نتوانند داد و زیان این امر بیش از همه بشما بزرگان وارد خواهد آمد

شما راست که و نو موقتاً باشد ترك غرض رانی نموده بر اسلام رحم و واسارت مادران و خواهران خود ترحم کرده دولت را به ترك مخالفت خود تائید کنید که رفع بهای همسایگانرا نموده عبرت و اقتدار شما هم برقرار ماند

این نکته را نباید از نظر دقت دور دارید که هرگاه با این عرض رانیهای و ص بر باد ده جنیدی دیگر باقی مانده و باسم برقراری پایش و امنیه دحالت به بیگانگان دهید بصاحب شریعت طاهره سوگند اول اقدامیکه بیگانگان بکنند در قلع و قمع شما و اعدام خاندان تان خواهد بود - عبرت گیرید از بزرگان خود عرض کوریا ، یا دور بین تعمق بنگرید که بزرگان و دودمان قدیمه ممالک مفتوحه که در چه حال دلت و اسارت اند

اولین کاریکه بیگانگان نمایند ترقی دادن مردمان بست و زبردست کردن شما و همهارا بر شما بزرگان افسر و آقا قرار داده ماحاکقان یکسان خواهند نمود - به نوبدهای پلتنیکی ، اسارت مادر وطن رضا ندهید و بوعدهای عرقوبی خویشتر را بهلاکت ننندازید که در شرع پلتنیک ایفای بوعده حرام و راست بازی کفر است

اگر بر اسلام و اسارت مادران و خواهران خود رحم نمی کنید بر فرزندان دلبند خویش ترحم کنید که باید فردا بخدمت گذاری بیگانگان کسب معیشت کنند و یاد از اعزاز و عزت عالییه شما نموده زبان به شتم و لعن تان بکشاید - هرگاه بواسطه تعصبات جاهلانه و غرض رانی های بیهودانه شما بزرگان بیگانگان استقلال ایران را خاتمه دهند یقین بداید که در تاریخ دنیا نام شما تا ابد زشتی یاد خواهد شد

(مرد آخر بین مبارک بنده است)



فشار اخیره ملاقات جدید واتیه نمودند، و از طرف دیگر بذریعه نفرت مسلمانان از این یادداشت خویشین را در وسط آسیا محبوب‌القلوب ساخته توجه مسلمانان دنیا را بخود معطوف ساختند. و محمد علی هم بدین مناسبت به (ویانه) کشیده شد که هرگاه دولت کنونی ایران برخلاف مقاصدشان حرکت نماید برای افعال این حکومت يك گره پلتنیکی تازه برقصاید (کشاکش سیاسی و سر ایران)

هرگاه کله های با سیاست در ایران بروی کار باشد این بهترین موقع را در جلب منافع سیاسی و حفظ استقلال ابدی ایران رایگان از دست نخواهند داد. امروز موقع آن است که حکومت به استقلال خود معنویت داده خویشین را از فشار یکصدساله اجاب برهاند. امروز وقت آن رسیده که ایران دارایی يك مسلک صحیح سیاسی شود و باختیار نمودن آن مسلک جلو گیری از نفوذ کلبه سنرا و قونسلات خارجه بنماید

ایرانیان راست که در این موقع نازک منافع سیاسی خودشان را به سنجش آرند. و بدانند که هم انگلیس و روس و هم عثمانی و آلمان پیش از آنچه آنها محتاج بمانند آنان محتاج به ایشانند. چه اگر ایرانیان در حلقه اتحاد عثمانی و آلمان در آیند عوالم اسلامیت کاملاً متوجه به آلمان شده قوت نفوذ وی در آسیا به تمام دول خواهد چربید مسلم است برای جلب چنین فائذی آلمان در جلب ایرانیان با اتحاد خود دقیقه را فروگذار نتواند نمود و همین قسم است دولت انگلیس اگر ایرانیان را بطرف خود جلب نماید نفوذ و اقتدارش در وسط آسیا بواسطه آلمان در مقابل آلمان قائم تواند ماند و این نکته حایت اعمال انگلیسیان است. چه اتحاد ایرانیان با انگلیس قوت منتهوی آلمان را که که از بوجه مسلمانان حاصل تواند نمود نصف خواهد کرد. ظاهراًست که ایران هرطرف که رجوع نماید طرف مقابل در فشار باو ~~کوتهای~~ نخواهد نمود ایرانیان راست که هم منافع دوستی و هم مضار دشمنی طرفین را بحال خود مذاقه نمایند تا يك دفعه در بازی شاطران سیاست محو و مات نکرند. مذاق جناب مستر اسکویت صدر اعظم انگلیس و ورود محمد علی بویانه و صد بازیهای دیگر که دیده و خواهند دید مبنی بر همین نکته است

(وظایف سیاسی ایران)

اول - ترك اختلافات باسم اعتدال و انقلاب و دست اتحاد یکدیگر دادن و ابواب بهانه را بروی همسایگان بستن و رفع مناقشات و ژسای ایلات که

نمودن يك مسلک سیاسی صحیح است که بدان وسیله بتوان روابط اتحادیه با جمیع دول را قائم گذارد سوم - تشکیل يك قوت معتدله است برای حفظ استقلال ایران ولو بترك نمودن حصه عمده سایر مصارف دولتی باشد چه بدون قوت استقلال ایران باقی نتواند ماند و در هیچ داتره ائتلاف و اتفاق شامل نتواند گردید، و ره در این کشاکش سیاسی و انقلابات پلتنیکی ~~که~~ حتمی الوقوع است یا ایران تقسیم و تجزیه خواهد شد و یا در طرف غالب مضمحل و نابود گردیده استقلال و آزادی خود را خواهد باخت

نطق جناب لارڈ هاردینگ

(فرمانفرمای هندوستان در خصوص یادداشت)

(دولت انگلیس بدولت ایران)

جناب لارڈ (هاردینگ) بعد از انتخاب رسمی‌شان بعهده فرمانفرمائی هند علی‌الرسم بطریق بدیع در مسائل واجعه بهند ایراد و ضمناً در مسلک خارجه دولت انگلیس خاصه ممالکی ~~که~~ قرب و جوار هندوستان که منجمله آن ایرات بود بحث فرموده و ما آنچه واجه با ایران است ذیلاً مینگاریم اتحاد دولت روس و انگلیس در سال ۱۸۹۶ وقتی که لارڈ سالسبری مرا بسفارت ایران فرستاد شروع گردید، همین که در ایران مسلک دولتین روس و انگلیس را دیدم دانستم که يك رقابت بی‌حسب و مفت قائم گردیده و همین که بسفارت پترزبرگ مأمور شدم این خیالم کاملاً قوت گرفت. این بود که برخی صحبت ها در میان آمد که تا درجه رقابت دولتین را در ایران خاتمه داد. اتحاد ما با روس در وسط آسیا بلکه مراکز آسیا ذمه داری ما را زیاد به نموده بلکه اگر درست ملاحظه شود کمتر کرده است.

دیروز بطریق رسمی یاد داشتی که بدولت ایران داده شده اشاعت یافت ظاهر مبداردهان مطالبی را که چند یوم قبل در خصوص آن یادداشت اظهار شده بود که بهیچ وجه مداخلت در آزادی ایران مد نظر نیست و قشون هندوستان در خاک ایران فرستاده نخواهد شد و پلیس هم که بنا است قائم شود ایرانی خواهد بود فقط انسر آنها انگلیسی معین خواهند شد تا از پوشهر الی اصفهان طرق تجارت را مأمون دارند، و در این خصوص دولت روس هیچگونه با این اقدام مخالفت ندارد و این یادداشت ~~که~~ بدولت ایران فرستاده شده بر حسب صوابدید دولت روس بوده است ~~که~~ ~~نیکه~~ واقف بحقیقت امر نیستند از عنوان یادداشت ~~و~~ ~~خ~~ تصورات نادره اند.

قلم نباید هیچگونه اقدامی بر حسب این یاد داشت دولت انگلیس نخواهد نمود . بگویند که دولت ایران در جواب این یادداشت اظهار خواهد داشت که قیام قشون بیگانه سبب اینگونه اغتشاشات گردیده است و تصور نمیشود که وزارت ایران این گونه جواب بر ربط بدهد . چه امروزه قشون روس در سه نقطه شالی طهران موجود و حال آنکه در طهران و نواحی دریای خزر امنیت کامل و قرار و نا امنی امروزه در جنوب است که قشون خارجه موجود نیست و قشون ایرانی هم انگشت شمار است . نا امنی جنوب بواسطه این است که هیچگونه جلوگیری از غارت و قتل نمیشود . مسلم است که عشار جنوب بواسطه قیام قشون روس در شمال دست بغارت نمیکشود بلکه بواسطه نیافتن مانع در حرکات خود سرانه خودشان است و اینگونه واقعات کلبه در مقاماتی میشود که حکومت از قیام امنیت عاجز میباشد

در وزارت خارجه ظاهر است که از سه سال مانطرف من باب نا امنی جنوب و خسارت تجارت متواتر بدولت ایران یاد داشت فرستاده شده و تاکنون بی نتیجه مانده است . سال گذشته سردار اسعد وزیر داخله به (سرجارج ناکی) سفیر انگلیس اطمینان امنیت جنوب را داد ولی تاکنون اثری از آن ظاهر نگردید . در ماه اپریل بین شیراز و اصفهان بقونسل انگلیس حمله شد و دو نفر محافظین او را کشتند و خود قونسل را خوانین بخنباری که در اصفهان قوتی بسزا دارند محفوظ داشتند و هیچگونه معاوضه در این خصوص طلب نشد . در جولانی گذشته وزارت جدید ایران بمجلس اظهار داشت که سی هزار قشون برای حفظ امنیت آماده میشود و تاکنون اثری هم از وی دیده نمیشود

چند هفته قبل شهرت یافت که برای امنیت جنوب شاهزاده عین الدوله بایالت فارس فرستاده خواهد شد . هنوز مشار الیه از طهران حرکت نموده اندک اندک تجارت از بوشهر باصفهان کم می شود . کرایه حمل و نقل مال التجاره که فی (تن - صد من) چهار لیرا بود به پانزده لیرا بالغ آمد . بمهمات مذکوره دولت انگلیس را پیش نمودن چنین

یادداشتی لازم آمد . ممکن است جواب داده شود که ترویج تجارت از طرق دیگر حاصل است ولی چه توان کرد که در جنوب معلوم می شود ملوک الطوائفی است . احکام وزارت کنونی ایران بمشکل تا اصفهان جاری است

دولت انگلیس اواده الحاق ایران را بمالک خود ندارد ولی ما مائل نیستیم که درین مرج و مرج ها یک تجارت عمده بر باد و یک هزین شاه راه تجارت مسدود گردد و ما کوشش در حفظ منافع خود نمائیم . سه سال کامل دولت انگلیس صبر نمود . اگر دولت ایران بالاصاله مقتدر در برقراری امنیت شود دولت انگلیس کمال مسرت را خواهد داشت . در صورت عدم کامیابی ما کوشش در امنیت خواهیم نمود . آنها بقشون خود نه . بلکه بهان قشون ایرانی و افسران انگلیس . که مصارف آنها در صدی ده و گمرکات خلیج فارس افزوده و گرفته خواهد شد . ازین اقدام نه قصد تسخیر ایران و نه الحاق آنها مدنظر داریم و یادداشت دولت انگلیس هر جا نکته چینی و نقیصه ای می شود . معترضین از قیام سه اردوی روس در تبریز - اردبیل - قزوین تصور تقسیم ایران را نمی نمایند . ولی بمجردیکه اسم قشون انگلیس در میان آمد صداها به اوایلا بلند گردیده . و در و اعظم اروپا نیز در چندین دارالسلطه این مسئله موضوع بحث آمده است . عجب این است دولت عثمانی که خودش بیجبهه و سرحدات ایران تجاوز نموده دره موضوع این یاد داشت پیش از همه بصدا در آمده است

بعد از وقعه ساوجیلای عثمانی اقدامات بسیار در سرحدات ایران نموده خصوصاً در نواح ارومیه که خیلی از خاک ایران را متصرف شده اند . درینگونه اقدامات آنها هم هیچگونه شور و خروشی از کسی دیده نشد - ولی وقتیکه ما یک اصول ساده فقط محض امنیت پیش نموده ایم تا این پایه شور و غل برپا میشود

حبل المتین

نطق جناب لاردهاردینگ الحق کمال منانت را دارد ولی بیجا نخواهد بود که عرض نمائیم چند نکته اهم را التفات فرموده اند

اول - اینکه قشون بیگانه را علت الغناشات جنوب قرار نداده اند. شاید از واقعاتیکه از قیام قشون بیگانه در ایران واقع شده اطلاع ندارند. مثل وقعه رحیم خان و داراب میرزا و امثال آن. درست است که این قشون در شمال است ولی دستهای دیپلماتی به تهدید همان قشون در جنوب دارد کار میکنند. علاوه بر این قیام قشون بیگانه در شمال و گریه رقصانهای آنها دولت را فرصت انتظام و رسیدگی بجنوب نمی دهد

دوم - ما تصدیق داریم که بطور شکایت مکرر سایر انگلیس از اغتشاشات جنوب یاد نموده و ایران هم وعده اصلاح داده است. ولی انکار ازین معنی نتوان نمود که اقدامات دیپلماتی دولتهای بالاساله مانع پیشرفت مقاصد دولت ایران در انتظامات گردیده - چنانچه از یک سال مابین طرف دولت ایران از هر جا که خواست تعبیر خرابیهای مالیه خود را به باید دولتهای سابق پیش آورده و این نکته بخوبی ثابت میدارد که آن ضمانت ها بواسطه پیش آمدن موقع پیش کردن چنین یادداشتی بوده است

سوم - انقلابیکه در عوام اسلامیت و حلقه منصفان آزادی خواه دنیا از یادداشت دولت انگلیس پیش آمده مبنی بر سابقه اقدامات دولتهای ایران در تقسیم ایران بر حسب معاهده سنه ۱۹۰۷ و هر چه تصور میکردند که دولت انگلیس بر حسب آن معاهده در اخراج قشون روس مساعی جیبه بکار خواهد برد تا ایران مقتدر بانظامات داخلی خود گردد. بدیخته یادداشتی پیش شده که علناً تقسیم ایران را مدلل میدارد

گویا امروزه حیثیات پلنگ شناس دنیا نمی تواند معنی نماید مداخلت های بین و با بدم مداخلت. پس از آنیکه نصف ایران را روس و نصف دیگرش را انگلیس انتظام دهد، آیا کسی هست که بتواند تصدیق نماید عدم مداخلت دولتهای ایران؟

چهارم - اطسکوت در تجاوزات عثمانی، در مسلمانان بواسطه جامعه اسلامیت است چه مسلم است در صورت اجبار ایرانیان تمکین عثمانی را بر سایر دول غیر مسلم بمناسبت جنسیت و اسلامیت ترجیح میدهند، اما سکوت سایر ملل آزاد از آن است که علناً می بینند دولتهای در محو استقلال ایران مساعی اند و

راهی برای بقای استقلال ایران جز دخالت عثمانی به یثقی وانی آلمان جیره و منحصر دیده اند. دو حقیقت هرگاه دولتهای روس و انگلیس ترک تجاوز بحقوق استقلالیه ایران نمایند خیلی بیشتر ازین بیاهوئیکه امروزه برخلاف دولتهای بلنداست اگر عثمانی ترک تجاوز نکند بر علیه او بلند خواهد گردید

مکتوب صولت الدوله سردار عشایر  
در شماره چهل و دو جریده فریده اشعار از اصلاح بنده و نصر الدوله فرموده و تقریباً در اینجمله و بعضی مسائل دیگر که بمرضتسان رسیده توضیح خواسته اید لازم دانست بیان واقع را اظهار و بر خاطر آن بیگانه وطن خواه مطلق را پوشیده نگذارد. امروزه آفتاب معرفت طالع چشم و گوش مردم دنیا باز و هر دیمخی بقدر مدوک خود ادراک فرمایش حضرت ختمی مرتبت و لطیفه حب الوطن من الایمان را نموده. در ادوار سابقه غالباً جنگهاییکه میان دول و ملل عالم واقع میشد بر سر مذهب بود و این دوره تمام اقدامات دول و ملل برای وحس و حفظ منافع وطن است. پس هر کس این نکته مهم را در نظر ندارد انسانی نباید خواند. من بنده از بدایت عمر عشق این محبوب گرامی را در سوبدای دل مشاهده مینمودم. بتدریجاً آنچه بر اطلاعاتم افزود شعله این عشق بالا تر گرفت. تا اکنون که قلب خود را ملو از این عشق می بیند بعد ازین مقدمه ملاحظه فرمائید اگر چنین عاشقی معشوق خود را مریض بلکه در حالت احتضار دید چه خواهد کرد؟ البته از هیچگونه سعی و جهد در تحصیل علاج خود داری نخواهد نمود. از مدتی قبل غالباً اعیان و اکابر فارس اظهار بلکه اصرار به بنده مینمودند که با نصر الدوله اصلاح مکن بنده چون خوب از حال ایشان مستحضر بود حاضر نمیشد. تا اینکه همان آقایان ابراد فرمودند که اختلاف میان شماها مایه تولید ضرر و زیان مملکت است و نصر الدوله هم برای اتحاد نمودن حاضر است اگر وطن خواهی از امور گذشته و کینه جوئی صرف نظر کن و با آن متحد شده متفقاً خدمت به اساس مقدس مشروطیت و حفظ امنیت نما ( قلم این جار رسیده و سر بشکست )

اسم وطن مرا ساکت و تسلیم نمود با خود

گفتم اجتماع ضدین محال است ولی فرض محال محال نیست - یا خارق عادت میشود و این انحصار معنویت پیدا میکنند در ضمن استرداد اموال مظلومین را بنمایند و برای خدمت هم همدستی پیدا کرده یا معنویت پیدا نمیکند، صدق عقیده من بر عامه مردم ظاهر و ثابت میشود دیگر چنین تکلیفی شاق بمن نخواهند کرد

لذا حاضر شدم در ۲۵ شهر شوال المکرم صلح نامه نوشته شد که مخصوصاً عقید و منظمین بر خدمت به اساس مقدس مشروطیت است، بعد از رد و بدل صلح نامه یک هفته طول نکشید مقتضیات طبیعی ایشان امتحان خود را در نظر خاص و عام داده مفاد صلح نامه را عاقل و باطل ساخته عامه را مصدق عقاید بفرضی بنده نمود که در حقیقه برای بنده همین نکته تصدیق عامه نتیجه شد، خیل مایل بودند در لباس دوستی اعمال اغراض ستمگانه نمایند لیکن خدا یار بی غرضان و مددگار حق طلبان است. اگر اقدامات فساد آمیز مملکت بر باد ده اروا مندرج سازم باید کتابها نوشت و باعث تصدیق خواهد بود، این قدر عرض میکنم این صلح همان وقت رسماً ابطال شد. اصلاح بنده و ایشان بحکم مایبست از حیز امکان خارج است، چرا؟ بعلت عدم جنسیت ازین رهگذر خاطر محترم آنوطن خواه فرزانه آسوده باشد، لیکن باید دانست که در دهه های این مملکت یکبست با هزاران درد های پیدرمان دیگر هم در کار است، اگر چه نظر بحب وطن در این مدت آنچه فهمیده و دید برده بوشی و سکوت را بحال مملکت اصلاح دید ناچار تحمل و صرف نظر از نقادی نمود اما امروزه کار بجای نازک رسیده و جراید محترم شاهد حال و سکرده اعمال هر کس اند لایدم اندکی از بسیار و یکی از هزاران هزار افعال مفرضانه را اظهار نمایم، آقای حاجی علی قلی خان سردار احمد مختیاری از اصفهان بطرف طهران حرکت نمودند بمساعدت حضرت سپه دار اعظم و مجاهدت مجاهدین غیور آذربایجان و گیلان و قفقاز و قزوین و اطانت نامه اهالی طهران به بزرگترین مقامی مایل گردید، و آن لایحه مفصلی را که در روزنامه کشکول به اصفهان فرستاده و مندرج ساخته بودند و در همه جا حاضر است فراموش سکرده بسند وزارت

داخله ابراهیم را مالک شدند، چون بنده خود را چندان عالم بعلوم سیاسی و غیره نمیدانم از تمام عقلائی دنیا استفسار میکنم که از برای حفظ استقلال مملکت و خدمت بوطن و نگاهداری مقام مزبور آیا در عوض اینکه از همان ابتدا در صدور اتلاف و اضحلال رؤسای ایلات برآمده آنها را با جهدی وافی از خدمت باز داشته بدفع مشغول داشتند. اگر بمقتضای مشروطیت مساوات و اتحاد بیابان آورده بودند و رفع غالب نقایص وطنی را بهمستی جمعی مینمودند اصلاح نبود؟ آیا در عوض حمایت و تقویت بی نهایتی که بناب مستبدین و ظالمان از قبیل نجی القوام و سایرین نمودند اگر در صدور استرداد اموال منبوه مظلومین لاری و اموال مسروقه سه چهار ساله از کنار بحر عمان تا داخله مرو و آخال و ممالکی که درین خریطه داخله بر آمده بودند بسندیده تر نه بود؟ آیا بعد از آنکه الوار بوثر احمد مدتها مشغول شراوت و ظرافت اموال تجار بودند و چند ماه قبل مصدر خلافی شدند که بار بزرگی بدوش ملت گذاشتند مالیات بهمان هم لا وصول بود مالیات دشتی و دستشان و کازرون و ممسنی هم بشرح ایضا، این خادم وطن برای نبوت عشق وطنی خود حاضر در تقبل امنیت و وصول مالیات این نقاط صعبه شده بی اعتبار هم نبوده کتباً و تلگرافاً بشهادت مجلس مقدس و جراید ملی و کابینه وزرا که در دفاتر آنها ثبت است تعهد قلع و قمع اشراک سرنگین وقفه فجیه را هم نموده اگر غرض شخصی در ترجیح بخیر مملکت نداده بودند و برگذار میکردند چنین ضرر فاحشی را بدولت و ملت روا نمیداشتند بهتر نه بود؟ شوستر و دزفول ابوالجمع آقای سردار ارفع بود، بملاحظه اینکه خواه و در نعت نفوذ ایشان است امنیتش را واجب می شمردند مالیات هم بی تحمل بدولت عاید میشد، اگر غرض در میان نه بود علت اینکه از جمع ایشان منزع نموده آقای حاجی نقر الملک را از طهران فرستادند مخارج ایشان را بانضمام مخارج سوار مختیاری ضرر بدوات زدند چنین سرحد دار معتبر محترم را هم منزجر و مایوس کردند، چه بود اگر چندین هزار تنگ سه تیره و فتنک دولت را در مخزن دولت باقی گذارده بودند که امروز در

غالب بلاد به بیع و شرا نمیرسید و مخزن دولت خالی از اسلحه نمیاند نمودن تر نه بود، و و ... در عرض همین دو سه ماهه ملاحظه فرمائید چه بروز و ظهورات در ایران بمیان آمده شخص شخص مثل حضرت آقا الله بهمان بدر روحانی ایرانیان و پیشوای مشروطه طلبان را چون سد اجزای خیالات مفرضه خود دانسته بدرجه شهادت رسانیدند که قاتل و محرك و دامیان رموز بلکه بر اغلب اهالی دارالخلافة نابت و واضح است. با وصف این احدی در مقام قصاص و انتقام چنین امری بزرگ بر نیامده از مثلاً (ولکم و اقصاص حیات یا اولوالالباب) صرف نظر نموده بلفظ مضی ماضی توسل جستند. اجرای احکام حجج اسلام را در پست ترین درجات بی اعتنائی نهادند، علاوه بر تمام این مسائل اعلان جنگ بختیاری با قشقانی را منتشر نمودند، این مسئله باعث سلب امنیت در بین خوردن طالبات دولت و تولید هراسان فتنه نمود. حکم واجب الاطاعة حضرتین مستطابان شریعتمداران مروج الاحکام مآلادالاسلام آیتین آقای خراسانی و مازندران را که بتاریخ شانزدهم جمادی الثانی سنه ۱۳۲۸ صادر شده و محتوی از اجرای تمام مواد قانون اساسی و دفع منسبین داخلی و اخراج عشاق پاریس است بسیار منسیباً پنداشته در طاق بسیار انداختند. مختصراً تطویل کلام عند اولوالابصار نایسند است، امروز در ایران نه از شریعت مطهره نامی نه از اساس مقدس مشروعه نشانی است. آن همه فداکاری های بیفرصانه بی طعمانه مجسمه عبرتندی و سیر حلقه حریت طلبان و محبوب القلوب ایرانیان آقای ستار خان سردار و آقای باقر خان سالار که انصار سبایون عالم را خیره کرده بود بعایت مفسدین و مفرضین بجهت به اتهام و بدنامی مبدل گردید، با اینحال برای هیئت اتحادیه سرداران جنوب دیگر جای تحمل ماقی نماید، اجرای مواد اتحاد نامه را ناگزیریم.

این بنده از آباء که يك از نشاط و دارای تلگرافخانه فارس است حقوق مشروعه ملت مظلوم ایران را که دست خوش اعراض هوا پرستان نیست جداً مطالبه دارد، سایر اعضای محترم هیئت هم در کمال جهد با تمام قوا در مشول این مقصود مشروع مقدس اقدامات نموده سعی هستند، البته

در طبیعت مفرضین هرگز گوارا نخواهد بود که چنین خدمتی را بنده برای وطن و انبای و ضم انجام کنم. لهذا با تمام قوه مصممم که جزای فدویت و وطن پرستی بنده و قشقانی را هم نظیر جزائی که بسردار و سالار ملی دادند بدهند. اتصالاً خودشان در مرکز و همدستان و مزدورانشان از قبیل بی القوام و چهار نکره از شیراز اشتهارات می اندازند که صولت الدوله هوای طهران را بسر دارد، حاشا و کلا واستعید بالله که من بنده از رشته خدمت دولت و ملت تخطی نمایم، درد من درد وطن و فریاد من فریاد انبای وطن است آن اداره محترمه و سایر حراید دنیا را شاهد و گواه قرار داده عرض میکنم. جز مطالبه حقوق ملی و اجرای احکام حضرتین آیتین دامت برکاتهما قصدی و منظوری ندارد. مثل دیگران خود خواهم نیستم و استقلال يك دولت شنس هزار ساله را بیک هوای نفس و طمع خام نمی فروشم، هر ساعت که اجرائی حکم واجب الاطاعة مربوطه بشود فوری ما اردوی خود معاودت بخانه خود خواهد نمود، و گرنه بنده و تمام سرداران فطام جنوب تا آخرین دارائی و قطره خون خود ایستاده ایم، از جمله شعبه، ازبهای خاشان ملك و ملت یکی ایست تلگرافی معمول بهر ساختگی اعیان و تجار محترم شیراز در شکایت بنده بجزایر محترم طهران مخبره نموده اند، البته بنظر محترم رسیده است و بیس از درج و تشریح جرائد صاحبان اصفا مطلع شده هم روزی تلگرافات تکذیب از آنها میرسد صورت چند طغرا از آن تلگرافات را در این لایحه درج نمود تا بی شرفی این خاشان خوب بهالمان مکشوف گردد، چه دزدی و بی شرفی ازین بالاتر است که امهار ساختگی از مردمان محترم پای تلگراف معمول بزند و با نهایت جرئت و بی حیانی بدهند در جزایر درج کنند

صورت تلگرافات

حضور مبارك جناب مستطاب اجل آقای سردار عتسایر دامت شوکته - در روز نامه شرق طهران نمره ۱۰۳ دیده شد که تجار محترم شیراز رشکایت جناب عالی تلگرافی بطهران مخبره نموده اند، محض آگاهی عرض مینماید که خاطر خود را از این رهگذر آسوده دارید که ما ما جانت تجار که در



جمع تجارت شیراز عضویت داریم از این تلگراف  
بیخبر بوده اطلاعی نداریم و از تلگرافی که بواسطه  
آقای میرزا عبدالله خان فرموده آید آگاه و متشکریم  
و جمع تجار شیراز تلگراف تشکر هم بمرکز نمودیم  
( جمع تجار شیراز )

❦ ایضاً ❦

خدمت حضرت اجل اكرم آقای سردار شایر  
دام اقباله ، روز گذشته شنیدم در روزنامه شکایت  
اصناف مهر بنده را زده اند نمود بالله در این  
ولایت مهر عوضی تلگراف میزند، بر سرزای محبت‌ها  
که در حر فرزندى ناظم اوزار فرمودید ، بنده دیوانه  
نشدم که شکایت انجام، نهایت تشکر دارم که املاک  
بهره را تماماً محافظت فرمودید لابد محض رفع تهمت  
جناب آقا میرزا عبدالله خان را در تلگرافخانه  
می برم و مهر عوضی را مسجل میدارم حضرت  
عالی در حق احدی بد نکرده آید خصوصاً در حق  
اخلاص شمار حقیقی عز الملك

❦ ایضاً ❦

حضور مبارک حضرت بندگان اجل آقای سردار  
عشار روحی فداء در روزنامه شرق و پلیس تلگرافی  
درج است به امضای بعضی اشخاص منجمه موبد  
الشریعه نامی دارد ذهن فدوی رفت بر جناب موبد  
الشریعه الآن در منزل ایشان حاضریم طوری به بیجان  
آمده اند که فرستادند نزد بعضی تجار و آقایان  
که جمع شده صاحبان مهر را بدست آورند و از  
این مطالب دست بردار نخواهند شد و باکمال ارادت  
سلام میرساند عبدالله

❦ حبل المتین ❦

نظر بر اینکه موقع ایران با اندازه نازک شده  
که ما از شرح و بسط و اظهار رای خود درین  
موقع خویشتن را معاف میدانیم، ولی همین قدر عرض  
میکنیم « وطن در خطر است » آیاتاشقان وطن معشوقه  
خود را حفظ خواهند نمود؛ آیا فرزندان کیان دختران  
اردشیر بابکات را از اسارت بیگانگان خواهند  
رهاید؟ آیا وطن ما در ما نیست؟ آیا بغیرت و  
ناموس پرستی آنان درست می آید که بیگانه را در  
کنار مادر وطن نشسته بینند؟

جناب سوله الدوله. وطن خواهان به آن رادمرد بیگانه  
امبدوار پهای بی شمار است که منجمه آن در موضوع

وطن کف نفس از اغراض شخصی و اغراض از  
عداوت‌های دیرینه میباشد. چون جنابالی هم مسلکی  
خودتان را با سرداران ملی آذربایجان و این خادم  
اسلامیت ظاهر فرموده اند محض تذکر و تاسی  
آنجانب از بیان دو نکته ما جارم

( ۱ ) البته فراموش فرموده آید و قتیکه

محمد علی قشون روس را به آذر بایجان دعوت کرد  
سردار و سالار و سائر رؤسای مجامعین تبریز به  
تلگراف خانه رفته قریب باین مضمون به پادشاه  
وطن فروشان تلگراف نمودند « شاهنشاه! مناقشات  
رعیت با سلطنت در حکم مخانت های پدر و  
فرزند است همینکه فرزند از در تضرع نزد پدر  
آید لابد محبت پدری هم بجوش می آید. دعوت  
قشون روس رای تپیه ماست اینک ما دست بسته  
حاضریم که هرگونه سزا و جزائی در حق ما مناسب  
دانید مقرر فرمائید و ما را اسیر اشکر بیگانه نسازید»

بیگان تو را بجان خریدار

ما مرجم دیگران نخواهیم

( ۲ ) قضیه گرفتاری با منتهای بیگناهی و حبس

بیگانه برادر عزیزمند ما آقا میرزا سید حسن « که  
خدماتش در طریق مشروطیت و وطن خواهی و  
حسب سازی از سائر همقطارانش کم نبود البته مسبوقید  
ولی این خادم اسلامیت بجای شکوی تشکر نمود و  
بعوض اظهار دلالت علامت مسرت ظاهر ساخت -  
چرا؟ بواسطه اینکه وطن را در خطر می دیدیم  
و خیالات شخصی را در مقام نوعی فدا کردیم -  
درین موقع از جناب عالی نیز چنین توقع

داریم که وطن را ازین مخاطره عظیم برهانید و  
نگذارید بهانه دخالت باسم ما امنی و اعتشاش بدست  
بیگانگان اوقند. نکته الاهم فالاهم را فراموش نباید  
نمود - امروزه نوش دارویی حیات استقلال  
وطن امنیت است - و امنیت جز بانحساد شما  
سراداران. شما بزرگان - شما صاحبان نفوذ و اقتدار،  
حاصل نتواند گردید دعوی وطن پرستی را امروزه  
هیچ چیز بنیوت نرساند جز کوشش در امنیت  
و رفع بهانه بیگانگان و ما از شخص شخص  
جناب عالی جز ملاحظه این نکته دقیق را متوقع  
نبوده و منتظر نیستیم

( از شیر حمله خوش بود و از غزال رم )

مکتوب طهران

اینکه حقایق وقایع طهران را منصفانه سؤال فرموده بودید افسوس که بر دعای حق گویان لجام ترس زده شده ، همچو مشروطه و همچو آزادی که ما داریم در هیچ حلی عالم سراع نتوان داد . وقتی مشیت الهی در تخریب يك ملت قرار میگردد همه را کور و کر می‌سازد ، هر قدر تلاش و عجزه میکنیم که قدمی برداریم بواسطه نادانی و عرض وانی مهترها بر میگردیم ، آزادی قلم و زبان ، قانون ، عدالت ، مشروطه ، در طهران ثالث سیمرع و کیمیا شده است از سهل‌انگاری و بیانات کابینه سپهدار میناییدیم . بعد از انعصال آن و تشویل این کابینه معلوم شد ای همه از قامت ساسانی اندام ما است ، و با اصلاح سوزنی آمد کز بی درآرد جاری ، با تجاوزات حارجه و عدم حرص امور نه در ایام کابینه سپهدار حاصل بود فقط چیزی که ما را بآید امید میداد وجود سرداران ملی و بخساد اخیره آنها بود . و امیدوار بودیم که شاید به سبب سابقه اعمال آنها و نمودینه در موب سینه دارد امور برایشان جمع شود

آن روز ما بوسیله خود را علمدار آزادی و منادی مشروصیت و سردار قانون ، هواخواه عدالت ، دشمن تعرض و متجاوز میداستند بعد از تغییر کابینه معلوم شد تمام این حسابات و حساباتی از مداوت صرفی است که ناشخص سپهدار و چندسردار دیگر دارند ، هن حرایدینه در هر صحنه اش رقابون شکنی و یک‌های بی و عیب جوانی و در را بر از پیش و امسال و یک نسبت بهیئت دولت بود ، مره و مشهور است از وجوب سالی این کابینه و تریف و تعجید وزرا در صورتیکه اگر یکی ازین خلاف قانونها و بی اعتدالی ها که در ایام اندک این کابینه شده در بکمال مدت کابینه سپهدار شده بود اسرع مجازات آنها بوسیله تخته‌دار بود ، فعالیت و جدیت و کنایاتی که این کابینه چون نشان داد و ایران و ایرانی را در پیش آزادی طلبان دنیا رو سعید و سر بلند ساخت همان قضیه مؤله بزرگ و تیر خوردن پای محی ایران حضرت سردار ملی و توهین حضرت سالار ملی و دادن پاداش بمخدمات ایران پرورانه آنها بود و الا اصول قانون اساسی است

که بی دربی نقض میشود

همان قانون اساسی که در راه آن چه نروت ما چه مکننت‌ها بیاد رفت ، خون چه جوانها بخت و ریخت ، برخلاف نص قانون اساسی که وکیل از هر تعرض مصون است بخواه وکیل ملت پلیس ریخت و تقیضات لازمه بعمل آورد و بعد از آنکه مجلس از وزارت داخله سؤال میکند و وزیر مسؤل آزادی خواه ما چند روزه بضرر میگذارد عاقبت بحکم اضطرار جواب اداره سمسبه را سند قرار میدهد که اندرون آقا بشمران رفت ، بودند ، اسان را از حیرت خنده دست میدهد بایس چرا باید برخلاف قانون بدرجه وکیل برود که آمد متمسک همچو عذر مدتر از گناهی بشود ، در صورتیکه آقای وکیل ساط است که اندرون ندارد موافق اصول قانون اساسی هیچ مقدری را بشن از دست و چهار ساعت نتوان توقیف کرد مگر ایست تصریح اعلام شود و هیچیک از اتباع ایران را نمیتوان محبور بقاءت محلی یا حرکت از سینه سینه بود مگر حق که قانون اجاره دهد ، سینه قانون که در تحت ریاست یکتزر آزادی صحت است دو روز رشتی موسوم بحاجی محمد حسن و شیخ اسمعیل را دستگیر میدند بعد از شن زور توقیف بدون استنطاق و صوت تصریح التزام میگردد که دو روزه از طهران برود ،

استشاش ولایات که روز پرور در تزیاد است صفیان شاهسون ، شرارت الور و عارت اردوی دواتی و قتل رساندن يك عده از قشون بغای سرکش رشیدالسلیمان در چند نرسجی طهران ، طول هرزه‌ای باب حسین کاشانی ، استشاش جنوب همه یکطرف نزاع و جنگ بین خود ایل بختباری یکطرف (کل بود بسبزه بز اراسته شد) سردار طفر و امیر مفعم بر علیه هم استعداد تهیه کرده و نزدیک است آتش این منازعه صفحه جنوب را بسوزاند ، سردار طفر یکی از برادر زاده های امیر مفعم را گرفته توقیف کرد و الان معلوم نیست کار آنها بکجا منجر شده است ، از همه بدتر هیجانی است که در حسیات عامه حاصل است ، ایها که بر شمر دم محلی است از فعالیت و کنایت وزرا ،

حالا روزنامه نویس و جوی مضربین میگویند حرف حق مزلف سرت را میبرند ، وزرا باید

مقدر باشند، مستقل باشند، اختیارات نامه داشته باشند، زبان ابراد گیر و نقاد را باید برید، زهی به بی‌فرضی و قانون دوستی ما که همه بنده در هم و در میم، ایی کاش بازسپدار داخل کابینه میشد نه اینکه او از عهده ترمیم خرابیها و اصلاح امورات بر می‌آید، خبر - برای اینکه وجود سپدار محرك و مهیج عروق وطن پرستی و حسیات قانون پروری بعضی از آقایان که دشمن خون سپدار است شاید حدی وین تجاوزاتی که دائماً بر ناموس قانون اساسی میشود داده‌آید، چنانکه میدیدید در اتم او چه ناله های قارر خواهان از دلمای ملو از حب قانون پرور می‌آمد، سپدار خواست حدی در مقابل فحاشی جراید قرار بدهد، نطقهای آتشین نزدیک بود مجلس شورا را بسوزاند و کینه و استاکیون از التهاب آزادی طلبی منصرف باحتراق بود، چیزی نماید که نگفتند و نوشتند، يك كه آقای حاج آقا وکیل محترم شیراز در مجلس اظهار داشت، حاشیکه با عبارات معتدله و زبان این میتوان بیان مطلب کرد چه احتیاج با سهانه ادب و استعمال الفاظ قبیحه فوراً روز نامه قانون پرور مطایع ما هفت روزنامه که بسر دار های ملی نسبت عدم تمرد و اطاعت در مقابل مقررات مجلس میدهد در موقع نگارش مذاکرات مجلس اسم وکیل محترم مزبور را وارونه طبع کرد و درین ایام در مطبوعات سانسور میگذازند و آنها بخاطر خواهی اشخاص ساکت نشسته اند ولی سانسور در عقاید و افکار اشخاص است که بر ضد نفوذ آنها باشد

وقتی یکی از وکلای گیلان در خصوص توقیف و تبعید حاجی محمد حسن و شیخ اسمعیل سؤال میکنند بعد از چند روز معطلی وزیر داخله در مجلس علمی این طور جواب میدهد که از نظمیة سؤال شد این در نظر را همین طور که اطمینان داشته اند توقیف کرده و بدون استنطاق جوش مورد سوء ظن بود التزام گرفتیم که از طهران خارج شوند، اولاً وزیر داخله مسئول قانونی ما آنقدر ملتفت نشده که شخص وزیر در مقابل مجلس مسئول است و اظهارات نظمیة که یکی از ادارات است که در تحت وزارتخانه ایشان است برایی وکیل سندیت ندارد و شخص وزیر مسئول اعمال

ادارات است که راجع وزارتخانه او هست، تأییداً اگر در مملکت مشروطه ممکن بود تمسک سوء ظن نظمیة بدون محاکمه و ثبوت تقصیر کسی را توقیف و تبعید کرد که کارها خیلی سهل میشد و نوشتن قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی لزوم پیدا نمیکرد اگر يك مثل اروپائی این اظهارات مضحك وزیر ما را در مقابل پارلمان بشنود از حیرت و وحشت قالب نمی‌خواهد کرد، حاجی محمد حسن نه مجاهد بود و نه در سکوت مجاهد و چند روز پیش نبود که از سواد کوه بطهران آمده بود، همچنین شیخ اسمعیل بچاره طلبیه به مستشرق دوات بود نه مستشار ملت و از آنطرف اشخاصی که حسیات مردم آنها را در قتل مرحوم شهید حجة الاسلام بهائی شريك میدانند همیشه با بمب و غیره مانوس بودند و بسکی بخارجه دارند و بدون سرمایه و ثروت معینی چندین اسب نگاهداشته روزی چندین نفر را در خانه خود غذا میدهند و مخارج دیگر میکنند آزادانه می‌کردند بلکه طرف شور و مشورت آقایان اند ادا مورد سوءظن نظمیة واقع نمیشود، خدایا زین معما برده بردار بی صاحب اعتبار و مالک الرقاب نظمیة ایران چند نفر ارمی از فرقه واستاکیون که خیالاتشان برای ایران و ایرانی معلوم معاون نظمیة مظفرخان که مشروطه طلبی و ممدلت گسری ایشان درازلی در ایام استبداد صغیر معیر است، رئیس منقش نظمیة مرآت السلطان معروف بمحمدخان ملک آرائی ( اهالی رشت او را خوب میشناسند) منقش نظمیة حسین ملندوع .... چطور با این اعضای ریسه نظمیة ما حق ندارد که قانون اساسی را زبر پا گرفته در توقیف و تبعید این و آن سوء ظن خود را متمسک و مدرک قرار دهد، خواهید ابراد کرد با این ترتیب و با این تجاوزات و لطایق که متصل بنوامیس مشروطه میرسد و کلاکه حافظ حقوق ملت و نگاهبان قوانین مشروطیت اند چرا ساکت نشسته اند، حرف خیلی حسابی و قانونی است ولی اگر خود جنابالی در طهران بودید خاصه آنکه در پارلمان سمت وکالت داشتید و اوضاع کنونی مراکز را مشاهده می‌فرمودید اقرار میکردید که سکوت ملک راحت و فراموشی کشور استراحت است

( در کف شیراز خونخواره )

( غیر تسلیم و رضا کو چاره )

عماید وکلای که اکثریت با آنها است خوبست  
 کتباً از خود شان سؤال بشود - سؤال جناب  
 حاج شیخ علی ، وکیل خراسان برده از روی کار  
 بر میدارد و يك اندازه بهمان را آشکار می سازد  
 که این مطالب را صورت قابویت داده در روزنامه  
 مجلس از قانون دانان ایصویر سؤال میکنند .  
 « که آیا کسی که برای وکیل تهدید کند با او چه  
 معامله باید کرد » این سؤال نماینده محترم خوب  
 مدرکی است برای فهم حقایق امور . همچو معلوم  
 میشود که وکلای ملت در اظهار عقیده آزاد هستند  
 ( در جاه اگر کسی است يك حرف بس است )  
 انجمن ایالتی گیلان که یکی از موسسین مشروطه  
 و آزادی ایران است و خدمات سادقانه آنها در  
 ایام رواییون تاریخ سعادت ارارا مرین داشته در  
 خصوص وقایع اخیر طهران توضیحات خواسته بعد  
 از آنکه گفته شد انجمن حق خواست این قبیل  
 توضیحات را ندارد و سایر وکلا نگوییده تا تحت ار  
 مجلس مقدس بوزرا مراجعه شد که جواب بدهد  
 شبدم وزرا جواب داده اند چون هر چه شد  
 تصویب مجلس مقدس بوده کسی را میرسد که در  
 مقابل اقدامات دولت توضیح نخواهد و توضیح  
 کسی داده میشود . رحاله علی سائس اول

مجلس فقط در حلق سلاح بدون تخصیص رای داد .  
 آیا مجلس گفت که بی نجات دهنده وطن را گلوله  
 فرید آیا مجلس فرمود که سر حلقه احرار قهرمان  
 حریت سالار ملی را توهمین و تحریف نمایند ، آیا مجلس  
 فرمود که مدائیان مات را شرابیل بیچ نمایند آیا  
 مجلس فرمود که امانه پارك اتاك را که متعلق  
 بارباب حبشید است به سارت برید ، و مثل لشکر  
 مغول و حشیا به آینه ها محسمه ها بمدهای قیمی را  
 را بشکاید ، آیا مجلس گفت خانه های مجاور و مدرسه  
 اطعالت زردشتی را یغما کند آیا مجلس گفت که  
 مجامدین ارمی از حکم عمومی خلع سلاح مستثنا  
 باشند ، آیا مجلس فرمود که قانون اساسی را نقض  
 کنید و بحانه وکیل ملت بی اجازه بریزید ، آیا مجلس  
 فرمود سردار محیی هر چه فریاد محاکمه میزند و  
 اسناد در عدم تمرد خود ابراز مینماید اعتنا نفرمائید  
 ( جنم باز و کوش باز و این همی )  
 ( حریم از جنم بندی خدا )

اما در باب جناب سردار محیی - اینجا است که دل  
 حریت پرستان عالم را بدرد می آورد - اینجا است که  
 هیکل مقدس آزادی سیاه پوش میشود - اینجا است که  
 لطمه باساس عدالت يك مملکت وارد می آید - اینجا  
 است که مادر وطن ستم زده میشود - اینجا است که  
 ایران را از داشتن فرزندان رشید و اولادان  
 خاتم عقیق مینماید ، بی نجات دهنده مملکت او این  
 خادم وطن ، به پیشقدم میدان جان بازی باید این  
 طور سزا و پاداش داد ، بعد از آنکه لطمه حکم  
 تبعید او را صادر کرد و او جان خود را در معرض  
 تلاف دید بسارت عثمانی نخس اختیار کرد که  
 بتوسط سفیر بی نصیری خود را اثبات کند ، عریصه  
 مقام منبع مجلس مقدس عرض کرد و در آنجا  
 برای آنات بی نصیری خود محاکمه خواست ، عین آن  
 عریصه در روزنامه شماره ۸ مجلس درج است  
 دیگر های حرف کان ندارم برای دوست و دشمن  
 باقی بگذارد ، حیرت روزنامه شریعه به عرض و چند  
 نفر مغرض دیگر آنها هم حق دارند باید عراده  
 بگردد و کاری راه بستند وزری فعال کار آگاه  
 دولت از صدور حکم نظمی در تبعید سردار محیی  
 صریحاً اظهار بی اطلاعی میکنند در صورتیکه در  
 حکم نصابه قید شده که بر حسب امر دولت باید  
 بازیدران بروید ، عقیده بر این است که سردار  
 محیی محاکمه بدهند ، زیرا در آنجا برده از روی خوبی  
 کارها برداشته شود ، در مملکتی که نسبت به سردار  
 های آزادی این طور معامله و بیعدالتی بشود ما یکسر  
 بدحت ضعیبی چه خواهد شد ،

ای حاکم بر سر ما که همیشه باید در دست چند  
 نفر خود خواه جاه طلب مغرض گرفتار باشی ، برای  
 تصفیه امورات ، برای قطع دعاوی ، برای رفع ظم سالم  
 از مظلوم ، برای تدبیر حادم بران تشخیص حق ، باید  
 در کدام عدایه - در کدام محاکمه - در کدام مرکز  
 عدالت - در پیش کدام قاضی عادل محاکمه شود - البته  
 خواهید گفت در عدایه اعظم دولت علیه ایران ،  
 در دیوان عدالت نوشیروان ، افسوس افسوس و هراس  
 افسوس !! که تمام مفاسد امور در همین جا است ،  
 رفته رفته نزدیک است برده از روی کار عدایه  
 برداشته شود و آنچه مردم میگفتند بشبوت رسد ،  
 ماخذ گفتار ما باید نطق وکلای مجلس باشد و

البته سند قاطعی خواهد بود، استیضاح آقا سید حسین اردبیلی از وزارت عدلیه واجه بمشله صدرالاسلام با آن شرح و تفصیل که البته در جریده مجلس ملاحظه فرموده اید اثبات اظهارات حق گویان را خواهد کرد. حالا معلوم میشود که بچاره مظلومین و ستم دیدگان در پیشگاه دیوان عدالت ایران احقاق حق خود را خواهند کرد.

(ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است)

خبریکه اخیراً رسیده است و يك اندازه رفع توهم و مایه امیدوارست بین بختیارها يك اندازه اصلاح شده است

### حبل المتین

ما سام آزادی مصدوعات مکتوب دیل را نگاهشتم و بواسطه موقی نازک باچار رای خود را محفوظ میداریم ولی همینقدر میگوئیم که جمیع انتشارات ایران از اختلافات مرکز است. آیا در این حال که مملکت در شرف تقسیم میباشد بهتر نیست که ارباب نفوذ و رؤسای مجاهدین و سرداران ملی و وکلاء محرم چشم از اعراض شخصی پوشیده و لوموتاً باشد دست اتحاد بیکدیگر داده حواهران و دختران خود را از اسارت بیگانگان نجات دهد اگر بر دیگران رحم نمیکند بر عترت و نفوس خود بترسند که هرگاه بیگانگان بوطن شان استیلا جویند اول حاری را که از خود خود برکنند قطع ایادی صاحبان خود خواهد بود

### واقعات جنوب

فقداً شهر عباسی امدیت حاصل است چرا که هنوز بتازکی طایفه از سارقین بحوالی عباسی وارد نشده اند، محمد حسین حن هارلو طایفه رسول حنی که هنده ماضیه عرض شد خیال آمدن عباسی دارند در پنج یوم قبل آمد در حوالی عباسی بقبه السیف حضرات اشرار هارو هرچه بود بی هیچ واهمه رد امروز هم خبر رسید که از کهورستان رو بصرف ایل خود رهسپار گردید، تقریباً ۱۲ هزار شتر و ۲۰۰ راس گاو و ۶۰۰ راس گوسفند و هرچه اثاث البیت اهالی حوالی بچنگش آمد ما خود رد

میناب. هنده ماضیه عرض کردند که میرزا خان وودباری با جمعیتی تقریباً ۱۵۰۰ نفر بامداد علی خان جالی آمده و چند قریه از دهات میناب را غارت،

هجوم بخود قلعه که مرکز حکومتی میناب است آورده و مصباح دیوان نایب الحکومه شهر از عباسی عازم میناب گردید. . . . نایب الحکومه وقتی میرسد قلعه میناب که از طرفین شایک تفنگ بلند بوده و چیزی مانده بود که قلعه میناب تماماً بتصرف سیم آید تقریباً از يك ساعت بغروب الی صبح میانه نایب الحکومه و عین جنگ بوده که عاقبت نایب الحکومه بر سیم غلب می آید. و به شلیت سه تیر توپ آنها را هیمت میدهد. سدر بجاء نفر از سیم مقتول و مقدار زیادی مجروح میشود و تا ده فرسخ آتم ارا تعاقب و از حرك میناب خارج می شود، صامراً میرزا خان محمده تلاق این شلیت فاحش که نا بحال ندیده بود از پسر حوی خود سردار سعیدخان بلوچ استمداد میطلبند قبول شود یا بشود بعد عرض میرساند.

سدر انگه - سه یوم قبل عریضه از اهالی ننگه بجهة حکمران رسید که علاءالحسن خان وراوی و شیخ مدکور و محمد صامر خان که داری ما جمعیت زیادی حرکت نموده که باید آنها را غارت نماید و در ضمن شیخ مرزوق و شیخ احمد حماری و ده هزار مشایخ نزدیکی سدر انگه در صدد جلوگیری اشرار میباشد و آدوقه از ننگه خواسته بودند، حکمران هم قاصد مخصوص روانه میناب فرموده - مصباح دیوان را از میناب بجهة نگاهداری عباسی احصار و مصباح دیوان ۱۰۰ هزار تفنگچی یک سری و ۱۰۰ هزار تفنگچی بومی در میناب بود که کلانتر میناب بجهة محافظت گذاشته خودش ما آید تفنگچی یوم ماضیه وارد عباسی گردید. حکمران هم بجهة تصفیه امور ننگه فردا صبح خیال حرکت داشت است که ایل دوشنبه میباشد قاصد از سدر انگه وارد، خبی با مصباحی نهار اوزی و کرمچی و لاری باسم حکمران و یکی هم از نهار اوزی مقیم ننگه، نهار عباسی نوشته بودند که هنوز از آمدن اشرار طور یقین خبری نه بلکه نرسیده است، لکن افواه است که مصمم آمدن میباشد، با و این حضرات اعراب محرك اقتدار نظام نایب الحکومه شده اند که باید امداد از جهاز جنگی انگلیس بخواهند و الا ما اطمینان نداریم که به ننگه اقامت نمانیم، دیگر نمیدانم

دولت انگلیس مابان است که هرگاه از غره شوال  
الی غره محرم دولت ایران فارس و بلوچستان را  
منظم ندارد دولت انگلیس لابد است که بر کمرکات  
ایران صدی ده اضافه نموده و بسرکردگی افسران  
انگلیس از ایران لشکر بگیرد و نقاط مذکور را منظم  
نماید ، نایباً دولت ایران يك ملیون و دو بیست هزار  
لیره از سنگ شاهنشاهی قرض نموده است ،

موجب خبر بوشهر ، هزالدوله نایب الایاله  
فارس و سهام الدوله بجهت وزارت و علاء الدوله  
بجهت رئیس قشون از طهران حرکت بطرف  
فارس نموده اند و بجهت مصارف لازمه ۲۵۰ هزار  
تومان حصرت والا عین الدوله باسم خودش  
از سنگ شاهنشاهی قرض نموده است ، هرگاه وزوای  
ما وکلای ما يك سال قبل این اقدام میفرمودند ابدأ  
این اعتشاش در درس نمی شد و قشون انگلیس در  
لنگه نمی آمد

شیخ ابوالحسن اخوی شیخ زکریا معروف و  
بسر شیخ زکریا سه بوم است وارد عباسی شده  
اند ، افوا است که خیدال مکه معصمه دارند ، خود  
شیخ زکریا هم نقداً در فدک میباشد و کلانترهای  
هرجرا جمع نموده استعداد و لشکر زیادی تهیه میباشد  
هنوز معلوم نیست عزم کجا داشته باشد ، ایهم يك  
از مایه بریشای و خزان ملت بی چاره است

### مکتوب از لنگه

حال چند بوم است اخبار از لار بستک و  
بنادر شبکو شهرت داده اند ، که اشکنان و وراوی  
و کله دار و تراکه قریب چهار هزار جمعیت جمع  
شده و قصد لنگه دارند ، مردم شب از توس  
خواب میروند بنادر شبکو محض ترسانیدن مدیران  
بنادر که حرکت کنند و فرصت بدستشان باید ، و  
گذشته هر ساله يك این نوع اشتها رات داده و قریب  
یکصد گونی برنج و غیره میگیرند از تجار لنگه که  
بجهت مخارج که جلوگیری شود ،

بستک هم توس سینه گذشته دارد و تهیه اردوئی  
بجهت دفاع خود آماده کرده اغلب از مدیرها آمده اند  
اقتدار نظام نایب الحکومه درجهاز بیکر روسی وارد  
شد ، فعلاً دو سه بوم است اقداماتی نمره کرده اند ،  
نفاق لنگه کماکان باقی بلکه زیاد تر تا بعد چه شود

بچه وسیله بوده است یا بزور مشکل کشا یا طور  
دیگر که امان الله خان و چند نفر از تجار عرب  
میروند در کشتی جنگی موسوم باکس و خط روسی  
بامضای نایب الحکومه و تصدیق همراهی ، کاندز حراز  
میدهند و خودشان با این آمده میروند در دار الحکومه  
بمصاه يك ساعت می بیند که چهار عماده توب  
و ۱۰۰ نفر سرباز از جه از باده شده می آید  
درب دار الحکومه ، تجاران اوزی و کرمسچی ولاری  
مضطرب شده میگویند شما بچه جبهه مداخله اسلحه  
دو حاکم ما میباید ، جواب میدهند صسته ما بجهت  
حفظ شهر و آسایش اهالی با حازه نایب الحکومه آمده  
وردا هم ۳۰۰ نفر سرباز دیگر پیاده میشود ،  
نایب الحکومه هر چه خواسته است که تجاران مذکور  
ما خود یار نموده و تصدیق بر مختصره شهر از  
ایشان بگیرد ممکن شده است ، جواب گشته اند ما  
بگلوله اشرا ایرانی کشته شویم اولی تر و خود را  
با شرفتر میدانیم که لشکر خارجه ما را حفظ نماید و  
حال آنکه احمدالله بهیچوجه خطری بجهت خود لنگه  
و تودع نقداً متصور نیست تا بعد چه شود ، در همین  
گبرو دار ۱۰۰ نفر سرباز انگلیس میروند در يك حاه  
کنار شهر که تقریباً ناموس تجار اوزی و بستکی  
در آنجا سکنا داشته و بجهت نفر تفنگچی از خودشان  
بجهت مستحفظی در آنجا بوده متصرف شوند ، مستحفظین  
مانع دخول لشکر انگلیس میشوند ، هیچ نمایند بود  
که مایه سربازان و تفنگچیان کار بمقتله کشد که  
جدد هر ار تجار میروند بهر شکل بوده سرباز ها  
را از دخول حاه مذکور مانع میشوند

### لارستان و توابع

لارستان نقداً ملوک الطوائف است ، محمد جعفر خان  
گراس و اورت و بحرایی باغ و محمد حسین خان بهارلو  
علی آباد لهنو و غیره را متصرف میباشد ، عسکر خان بهارلو  
از طرف امیر آقا خان بهارلو بلوک جویم متصرف  
، قصد تصرف و دستگیری رضا قلی خان بید شهر برا  
داود ، و اگر بتوانند اور و بشور هم غارت نمایند ،  
پسرا سردار طر که نایب الحکومه سیرخان  
و رفسجان و ارباب و دد ، مد از معزولی مبابی  
اهالی را جریمه نمود ، صرف بی خود رهسپار  
گردیدند ، اخبار ایچه بر بعد روزه در عباسی از  
فونسل شاه انگلیس اشاعه یافته است ، اولاً پروتست

بیرق (سری) را تا کنون نصب نکرده‌اند، از قراریکه کپتان اظهار میدارد، خود رئیس قصد رفتن سری نداشته، بگوید حاضریم که چشم را به بندند و روم به سری، گویا راپورتی که به پوشهر داده بیست تومان جرم کپتان معین کرده اند، ولی کپتان جداً حاضر است که هرگاه جنابجه نرقم (سری) حاضریم آنچه مدت ۱۵ سال موجب گرفته‌ام پس بدم، حال موجب برج میزان را گویا نگرفته و ما رئیس در جواب و سؤال میباشد، همچن بلدی بندر لنکه بسته و اعضاء بکلی دلسرد شده، هرگاه تجدید انتخاب شود گمان ندارم احدی تعرفه بگیرد مگر عده قلیلی، چرا که فرقه هستند، و هرکس میان خود حرکت میکند، از قراریکه مینویسند پوشهر از تنگه بدتر است، اداره بستخانه بهتر از سایر ادارات است، گمرک که بکلی ضایع است

همچنین ایضاً

نائب‌الحکومه سابق لنکه بعد از خراب کاریهای لاتعد و لانهی، اهالی بالانفاق از او مزحرف و مستقیماً بطهران تسائی شده و بز از دریایی خلع او را درخواست کردند حکم مقام منبع وزارت داخله بر خلع او صادر شد دریایی بوم شبه ۱۹ رمضان با کشتی برس پلیس از پوشهر وارد و نائب‌الحکومه فوراً بجهاز رفت دریایی او را اس بگرفتن و حبس نمود، بعد از دو ساعت دیگر جهاز حرکت بطرف عباسی و مشار الیه را با خود برد

همچن بلدی بز نظر به تغییر و تبدیل که شده بود و از جاده وظیفه و قانونی خود نخوی کرده بود بیکار که بعد از تحقیقات یا تجدید انتخاب باعبار سابق افتتاح گردد، چندروز اخبار آمدن علی اکبرخان گاداری، محمد باقرخان اشکنای، علام حسین خان و رادی، و طایفه تراکه عموماً به تنگ شایع و اهالی از استماع این اخبار موحتش در اضطراب برخی برای بهانه بدست‌اجاب دادن اظهار بشاشت می نمودند، ۴ روز قبل جهاز خراسان به عباسی فرستاده شد و این اخبار را به دریایی اطلاع دادیم، دریایی این خبر را تا یکسدرجه فرین صدق ندانسته ولی برای احتیاط (۶۰) نفر تفکشی درجهاز خراسان

به تنگ فرستاده و اهالی را نهایت اطمینان داد که اگر این خبر صداقت پیدا کرد فوراً خودم به تنگ خواهم آمد،

مقارن هزار تومان وجه اهالی از خود جمع کرده برای بنایی ۱۰ الی ۱۲ برج خارج از شهر بجهت حفاظت و امررز چهار بیج بوم است تمام استادها در کار اند، قرب دو روز دیگر تمام ۱۲ برج کاملاً مهیا خواهد شد، افسوس از عدم توجه ادر امورکه به عبت بنادر را بر باد میدهند، اگر تلگرافی بخابره شود تا مدتی جواب بیاورد و بعد از رسیدن جواب هم بدون قیده و نی ماحدست، آیا حتر است که در معصی مثال شد امروز از مشتی اشرف ختم باشد، پس در این صورت چگونه باعسم امنیت میتوان تجارت کرد، حسارت اشرف تمام از نتیجه نرت بستک ولارستان است که از عدم مجازات هر روزه باعث انتشارش می‌شود، رعبدوب بکمی از قیوب این اشرف مراند شده، تا سر وی درستی از طرف دولت تا بلند ساعات نخورند شد، کشتی بظای انگلیس موسوم به (فکس) وارد شد تا خدا چه بخواهد

(مکتوبی است که از تنگ، در گگی نوشته شده) در خصوص اجتماع و حرکت علی اکبر خان گاداری، علام حسین خان و رادی، محمد باقرخان اشکنای، میر ابوالحسن خان خفائی و طایفه تراکه و غیره عموماً و خیارات نهام ایشان برای که مرض کرده و در آن سربضه عرض نموده که اعم از صدق و کذب این اخبار اهالی نهایت متوحش و در اضطراب و آشرف آوردن حضرت عالی به تنگ در این موقع نازک است لازم است، حال هم عرض می‌کنم قاصدین مخصوصاً به بنادر پشت کوه فرستاده‌بودم مراجعت کرده و خط شیخ احمد حاوی داشتم تفصیل نوشته است که تمام طرق محکم بسته است، امروز قاصدی دیگر رسید که اشرف از حدود حاک صدی تجاوز کرده و در نزدیکی عباسی آمده‌اند و دارند بطرف تنگ رهسپارند، اهالی از استماع این خبر خیلی در توحش افتاده اند، فقط عده از اوزی و بلوکی مسلح و در قصد دفاع اند، کشتی بظای انگلیس موسوم به (فکس) با یکفرود دیگر به بندرگاه تنگ وارد اتباع خارجه و طایفه عرب

اظهار بنشاست کرده . چون از ورود این دو کشتی و خیالات ایشان بر مرزهای حسی مسلم بود . بنده صریحاً به جناب اقتدار تمام مشته و احالی کردم که باید ملتفت کار باشید . جواباً اظهار نمودید که جناب ایستادگی دارم . ولی بدبختانه امروز دو ساعت از دسته رفته جلسه سری با حضور عده از عرب ها که بعضی از آنها اتباع خارجه و برخی رعیت داخله در مودس گری انگلیس شد است . گویا امضا کرده اند و لارم دیده اند که سولجر انگلیس به بهانه امنیت پیاده شوند . و نیز امروز ساعت (۵) اقتدار نظام بدون ادلاع احدی ما نهایت احترام تشریف فرمای حرار ( فاکس ) شد و ساعت (۸) پیاده گردید . ساعت (۹) (۱۰۰) سولجر با دو عراده توپ در جلو دار الحکومه پیاده شده و حین حرکت آنها بصرف محلات بیرق دولت علیه ایران که افراشته بود باین آمد . با اجازه خود اقتدار نظام و فردا وعده است (۳۰۰) سولجر دیگر با دو عراده توپ پیاده کنند . و این (۱۰۰) نفریکه امروز پیاده شده دو دسته شده اند نصف شرقی شهر نصف غربی خیال داشتند خانه که ملک یکی از بلوکی ها بود مقیم شوند . صاحب خانه راضی نشده آنها هم زور آورده که جبراً خانه مذکور را تحلیه و خود ساخلو شوند . بلوکی ها نیز اجتماع کرده طرفین فشنگ به تفنگ گذاشته بالاخره قونسل انگلیس و آقا بدر و متصرف مالک از طرف اقتدار نظام آمده خانه مذکور چون سرحد شهر واقع و محل مناسب بود بهوان اجاره از صاحب خانه به مبلغ گزاف درخواست کردند ولی صاحب خانه به هیچ قسم راضی نشده و صرف جواب داد . سولجر های مزبور بیرون از حبه نشسته اند تا فردا که خانه دیگری منزل نمایند این است حالت بدبختی ما که در حقیقت اقتدار نظام که اعتماد باو داشتیم بقسمی شرف دولت و آبروی ملت بر باد داد که ما فوق آت منظور نیست . و این لنگه بدنامی را تا اند بروی ما گذاشت . آخر به کدام راه بجه طریق مجبور به پیاده شدن سولجر انگلیس بشود . هنوز اشرار رسیده و جنگ شده چرا امضا و صحه بگذارد که این مصیبت بر اهالی لنگه وارد بشود

داشت و طالبات لنگه توسط بایوز گری انگلیس برای حضرتعالی میفرستاد باین قسم حرکت نکرد . یکدفعه سلب اعتماد و من خواهان از این نائب الحکومه جدید شده با وجودیکه از ( ۴ ) روز قبل مقارن هزار تومان وجه جمع کرده بودیم برای بنای ۱۰ برج معتبر خارج از شهر که بهر قسم باشد جلوگیری نمانیم و بروج تا دو روز دیگر کاملاً آماده می شود و تمام استاد های بنادر در کارا . . فاید هرام با (۶۰) نفر تفنگچی انگلی که فرستاده بودند رسیده و دو دو نقطه نشسته اند . این بچاره ها از استماع و دیدن پیاده شدن سولجر انگلیس نهایت متأسف اند . ( باستثنای اوزی و بلوکی و لاری ) نهایت مسرور اند . حال از حضرتعالی استدعا می نمایم که ما استعداد تشریف آورده و نیز برای تأمین اهالی و رفع بهر آنه دولت همسایه تفنگچی فوراً از بوشهر نفر (۳۰۰) نفر جلب فرموده که در لنگه قایم باشند که روی هم رفته ( ۱۰۰ ) نفر در لنگه باشند . و الا خیلی مشکل است . امیدوارم به تدابیر صایبان حضرتعالی زودی این سولجر ها به کشتی خود برگردند . بعضی میگویند شیخ مذکور خان با اشرار شرکت دارد و بعضی این مسئله را تکذیب میکنند . نیم ساعت قبل خط شیخ مذکور خان رسید که (۸۰۰) نفر تفنگچی حاضر دارم اگر اجازه است میفرستم لنگه برای حفظ اهالی . این مسئله بمیدانم پلنتیک باشد یعنی ما اشرار باطناً اتحاد داشته باشد یا نه . هر حال تفنگچی او ابدأ لازم نیست . فقط تشریف آوردن خود حضرتعالی و در خیال نائب الحکومه صحیح وطن پرستی برای لنگه باشد که این اقتدار نظام عالی میرزا محمود شد

( اقل محمد احمد محمد اسحاق )

حبل المتین

عجب دارم از اهالی بنادر که هنوز هم در اینگونه واقعات خود آورد دریایی بوی متصل می شوند . اقتدار نظام اجازه فرود آمدن سولجر نداده دریایی داده است . بیرق دولت علیه را در دار الحکومه لنگه اقتدار نظام فرود نیاورد دریایی فرود آورد . و این بازی بولتیکی بود که دامان بهتر میداند و ابدأ کسی نه قصد حمله به لنگه داشت و نه کسی تا این لنگه آمده بود .

میرزا محمود شیرازی با آن خبت فطرق که



آیتك كه بگوشش كابينه طهران سولجر انگليس خارج  
گريده باز هم بمرحمت دريايكي باسم ياره شدن سيم  
تلكراف در راه مكران بنا است سولجر فرود آيد،  
كوباكابينه وزير اعلى سنارشي كه بيگانگان درحكومت  
دريايكي نموده حاضر شده اند كه بطلاق ابروي دريايكي  
خان وطن فروش و حيم خان جنوب خليج را از  
دست بدهند، بارها نوشته و باز هم مينويسم كه  
مضرت حكومت دريايكي در خليج بالا تر است  
از مضرت ورود قشون بيگانه در ساحل پس كابينه  
وزرا راست اگر خليج فارس را از خريضة ايران  
حارج نميخواهند بفوريت اين خان وطن فروش را  
از خليج حارج نمايند ورنه هر اقدامي راى اصلاح  
خليج كنند نقش بر آب است

شهر

پس اراعلان ياد داشت دولت انگليس بدولت  
ايران در خصوص برقراري امنيت جنوب اهالي  
بهيجان آمده از طرف طبقه روحا و سلسله تجار  
محترم و اصناف تلكرافات ذيل بخاره گريده  
تلكراف ازوشهر طهران  
بتوسط وكلاي محترم فارس - مجلس مقدس -  
كابينه وزراء قاندين ملت - حافظين اسلام -

خبر روز مشر بر بادداشتي كه دولت انگليس  
بدولت ايران يشهاد كرده كه سه ماه ديگر درصورت  
عدم اهتمام واستقرار امنيت تصرفات مالكانه خواهد كرد  
و بوطايت حاكيت قيام و امنيت را دائر خواهد  
عمود ، يكرتبه مارا در وحشت انداخته بطوريكه  
خودمان را در ذلت و اسارت معايه ميكنيم نميدانيم  
بچه لسان شرح مصائب خودمان را اظهار كنيم  
ميدانيم قاندين ملت كدام اقدام فوري بجهت  
استخلاص ملت مظلوم ووطن مقدس بعمل آورده  
اند - آيا اين ورطه هم مثل ساير قضايا بلفاطي  
خواهند گذرايد و يا با قطع نظر از اعراض و  
مشروطه و استبداد با تمام هستي بجهت دفع اين  
بلاي ميرم حركت خواهند فرمود ؟ شما را بحق  
خدا و ارواح اميا و اولياء بجواب عاجلي كه اسباب  
تسلي و آسايش خاطر باشد قرين امتنان فرمائيد -

امضاء ( علماء - تجار - اصناف )

تلكراف ازوشهر بشيراز

بتوسط انجمن اياتي، حبيج اسلام، علماء اعلام،

اصراي كرام، قوام الملك، صولة الدوله، نصر الدوله،  
روساي عشيره، تجار عظام، اعيان، اشرف، اصناف،  
قراء، ضعفاء، فارس،

البته ياد داشت دولت بهيه انگليس بدولت  
ايران را معايه كرده ايد كه اگر تا سه ماه  
ديگر اغتشاش صفحه جنوب بحالت حاله باقي و  
انتظامات برقرار نشود تصرفات مالكانه و اقدامات  
حاكمانه خواهد نمود و امنيت را خود برقرار خواهد  
داشت وداسته ايد كه اين قصيه را موقت ومشروط  
نكفته بلكه حاكيت ابدى را راى خود ميرساند -  
امروز موقع آنست كه از در جسارت در آمده  
عرض كيم عاقبت اعمال مفسدانه ما فارسيان، ايران  
و ايرانيان را بذلت موبده و اسلام و اسلاميان  
را باسارت دائميه قرين بلكه مبتلاگردانيد - نميدانيم  
از خواب غفلت بيدار و بر عقاب خودتان وقت  
و بر اسلام رحمت خواهيد فرمود ؟ يا باز هم بر  
اثر اعراض بيهوده بهواخواهي اين و آن واندیشه  
يشرفت هوا و هوس خودتان در اضمحلال اساس  
ملت و تأييدات خارجه سعابت خواهيد كرد -  
اي مسلمانان وقت خيلي مضيق قضيه خيلي وخيم است  
عاجله با كمال جديت دست بدست هم داده ماتام  
هستي بطور راستي در رفع اغتشاش و استقرار  
هيئت طرق و شوارع قيام فرمائيد - فرضا داراي  
اعراض باشيد بوقت ديگر موكل داريد جنم براه  
ايم كه نتيجه اقدامات عاجله مصلحانه شما را  
فوراً مشاهده كيم مترصد بذل جوابيم

امضاء ( عموم علماء - عموم تجار - عموم اصناف )

دشتي

اکنون ميخواهد عالم عالم مساوات و درد هاي  
بيدرمان هر كس بواسطه بانگ بلند و صدای رساي  
جراند و اهتمامات مجاهدین عبور علاج پذير شود  
ميخواهد فضل عميم خداوند رحيم شامل حال صحيح و  
سقيم گردد، بد بختانه مي بينيم كه دشتي هم چون بنادر  
هوايش مسموم و اثرات خدا داد در او معدوم  
است، سلوك متفذين كه بواسطه مساعي حيله جناب  
آقا سيد مصطفي صورت اصلاح يافته و رفع باره  
تعديات و تغلبات گشته بود تغيير يافته رسم تعدی  
پيش آمده كدخدای مرده و قریه بنای غارت و  
خود سري دارند ، وجه ماليتي را كه بايد مامر  
و اجازه روحانين صرف اصلاحات نوعي و جبران